

کتابخانه ایرانی شهران  
Iranische Bibliothek in Hannover  
1991

# بهار ایران

سال چهارم - شماره ۱۶ بهار ۱۳۷۸



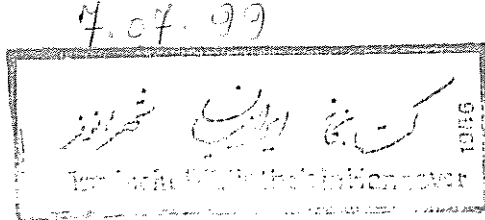
بهار ایران  
 کانون پناهندگان ایرانی - هلند  
 سال چهارم - شماره ۱۶ بهار ۱۳۷۸

فهرست مطالب و همکاران این شماره :		
۱	بهار ایران	۱- گزارشی کوتاه از کنفرانس مردمی (لاسه خواستار صلح)
۳		۲- کزیده هایی از اخبار و گزارشها
۶	عباس-ر	۳- ناتو و جنگ "کوزوو"
۸	افق	۴- چرا از کشته شهیدان می ترسند
۱۰	الف- آینده	۵- تحقق آزادی با نقش فعال مردم
۱۲	م.ح. پیوند	۶- پل ارتباطی با دیپلماسی فرودستانه
۱۵	خلاصه برداری	۷- از تاریخ بیاموزیم
۱۸	شکوری، از تهران	۸- پولکهای طلایی (داستان) قسمت آخر
۲۱	اسماعیل وفاپنمایی	۹- شعر (غزل تاریک، زیبایی)
۲۲	افسانه پروین	۱۰- کمک به فرزندان
۲۳	ی - قنبری	۱۱- چند نکته و چند گزارش از ایران
۲۷		۱۲- انتحار اتوبوس حامل مجاهدین و حملات موشکی به مراکز آنها در عراق توسط رژیم حاکم بر ایران را محکوم می کنیم.
۲۸		۱۲- شما و بهار ایران

۱- بهار ایران نظرات و دیدگاههای مختلف را در چهارچوب سالم سازی برخورد آراء و عقاید و ارتقاء فرهنگ دموکراتیک بین افراد و نیروها درج می نماید.

۲- از درج مطالبی که در ترویج فرهنگ استبدادی و وابسته و بطور مشخص مطالبی که در حمایت از رژیم حاکم بر مبین و نظام سلطنتی باشد، خودداری می کنیم.

۳- مسئولیت هر مطلب به عهده نویسنده آن می باشد و چاپ مقالات و مطالب به معنی تأیید(یا رد) نظرات و دیدگاه های مطرح شده در آنها نیست.



## گزارش کوتاه از

### کنفرانس مردمی

# لايه خواستار صلح

۱۵ مه ۱۹۹۹

امیدواری متقابل قرار می گرفت. به بیان دیگر، علیرغم تازگی نداشتن بسیاری از این درخواست ها و اینکه سال هاست این درخواست ها به گونه های متفاوت مطرح می شوند و حتی بیش از هرکس دشمنان صلح و آزادی توانسته اند از طرح آنها سوء استفاده نموده، حربه های فریب دهنده و منحرف کننده در مقابل آن ایجاد کنند، اما تشکیل چنین کنفرانسی و گرد آمدن این عده در کنار یکدیگر، حتی اگر باز هم به نوعی به عنوان ابزار فریب مورد بهره برداری دشمنان آزادی قرار گیرد، ولی در مقابل مایه تقویت انرژی و تجدید پیمان برای مدافعان ارزش های انسانی و سیادت مردمی است.

شرکت کنندگان نیز به خوبی به این واقعیات آگاه بودند ولی شرکت در گردهمایی را خود به عنوان تظاهراتی برای تاکید باز هم مجدد و چشمگیر بر اهداف نامبرده برگزیده بودند و همگی خواستار تشکیل این کنفرانس در فاصله های زمانی نزدیکتر گردیدند.

برنامه کنفرانس به این صورت بود که روزانه ده ها جلسه بحث و مذاکره در باره امور مختلف برشمرده در بالا، برگزار می شد و ده ها برنامه نمایش فیلم و موزیک اجرا می گردید که توسط سازمان های شرکت کننده تهیه و تنظیم شده بود. در جلسات مذاکره افراد صاحب نظر به ایراد سخنرانی و طرح مسائل می پرداختند و سپس سایر شرکت کنندگان وارد بحث و تبادل نظر در رابطه با آن می شدند.

علاوه بر این سازمان های شرکت کننده حدود ۳۰۰ غرفه کتاب و اطلاعات نیز دایر نموده بودند.

در شروع و پایان نیز دو گردهم آیی عمومی برگزار شد که در آن میتینگ ها و

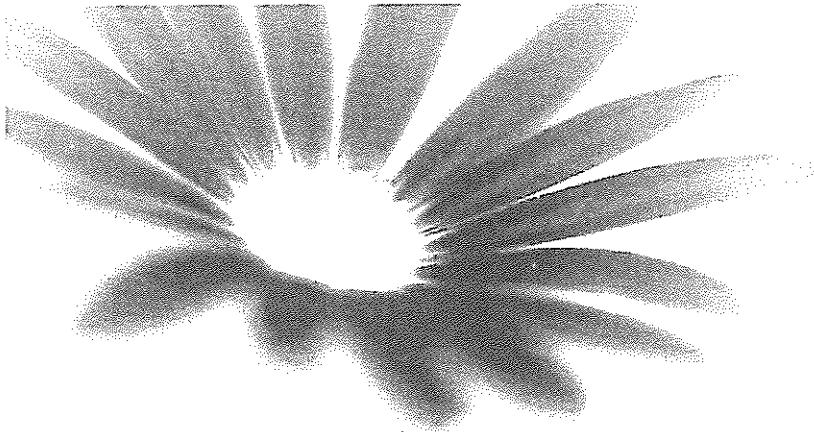
اکثریت شرکت کنندگان را جوانانی در سنین بین حدود شانزده تا بیست و هشت سال تشکیل می دادند که هزینه ها و سفرهای طولانی را برای همبستگی با این کنفرانس تحمل کرده بودند و به اهداف و خواسته های آن عمیقاً باور داشتند. اینان که از سرزمین های خاور دور گرفته تا آسیا و آفریقا از یکطرف و شمال و جنوب امریکا و اروپا از طرف دیگر گرد هم آمده بودند، در حقیقت نمایندگان میلیون ها نفر از مردم مناطق خویش بوده، و اکثراً از افراد آگاه و دانش آموخته کشور های خود بودند که یا سازمان های غیر دولتی حامی منافع مردم، ( ان-جی-او) را بنیان گذاری کرده و یا در آنها عضویت فعال داشتند.

شعار های اصلی در کنفرانس عبارت بودند از: صلح، آزادی، عدالت، تشکیل نظام های مردمی جهانی، دموکراتیک شدن سازمان ملل متحد، اعتبار یافتن آراء تک تک مردم در سراسر جهان، تامین نیازهای اولیه همه مردم دنیا، تشکیل تریبونال بین المللی برای محاکمه دیکتاتورها و جنایتکاران جنگی، نابودی سلاح های اتمی و پایان دادن به جنگ و خونریزی برای همیشه. برنامه ها و اهداف سازمان های شرکت کننده همگی به نوعی در راستای تحقق شعارهای فوق بود و نمایندگان آنها مصمم و امیدوار به این آرمان ها به کنفرانس آمده و برای آن تلاش و فعالیت می کردند که این جنبه ها مایه دلگرمی و

پس از صد سال برای دومین بار در تاریخ، کنفرانس بین المللی صلح ۹۹ از تاریخ یازدهم تا پانزدهم ماه مه مصادف با بیست و یکم تا بیست و پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۷۸ در شهر لاهه هلند برگزار گردید. در بیانیه خوش آمد گویی به شرکت کنندگان آمده است: برخلاف اولین کنفرانس صلح که در سال ۱۸۹۹ بوسیله دولت های پادشاهی سازمان دهی شده بود، سازمان دهی این کنفرانس بزرگ پایان قرن بیستم را، توده های جوامع مختلف جهان به عهده داشته اند. (۱)

بر اساس آمار اعلام شده بیش از هشت هزار نفر از سراسر جهان در این کنفرانس شرکت کرده بودند. شرکت کنندگان را افراد مستقل و نمایندگان سازمان ها و انجمن های صلح دوست و مدافع عدالت و آزادی تشکیل می دادند.

این البته در حالی بود که بعضی از چهره های شرکت کننده از مقامات کشور هایی بودند که اعمالشان با آزادی خواهی و صلح هم خوانی ندارند، مثل خانم "حسینا" نخست وزیر بنگلادش که زندان های کشورش مملو از زندانیان سیاسی است، ویا "ویم کک"، نخست وزیر هلند که متحد ناتو و شرکت کننده در تشدید بحران در بالکان می باشند، که بعضاً با ابراز شرمندگی در مقابل انتقاد حاضرین، خود را مدافع هدف های کنفرانس قلمداد می نمودند.



## the Hague Appeal for peace

### civil Society Conference May 11-15, 1999

دولت فرانسه آنها را دستگیر نموده بود اشاره کرد. او که خود را مسئول پیگیری این پرونده معرفی می نمود، افزود درست فردای روزی که دولت سوئیس، رسماً و بر مبنای پیمان نامه های استرداد مجرمین، که به امضاء دو دولت نیز رسیده بود، تقاضای استرداد قاتلان را نمود، فرانسه آنها را به ایران تحویل داد و ما تا کنون هیچ امکانی قابل اتکا، برای پیگیری حقوقی این پرونده برایمان فراهم نشده است.

کنفرانس بعد از ظهر روز شنبه پانزدهم ماه مه رسماً پایان پذیرفت در حالی که بعضی سازمان ها تا نیمه های همان شب نیز به جلسات خود برای جمع بندی کارهایشان ادامه دادند. حدود دوهزار نفر از شرکت کنندگان نیز تصمیم گرفتند که فردای آتروز، یکشنبه در اعتراض به بمباران های ناتو در بروکسل و در مقابل مقر ناتو رایبامی کنند.

(۱) در سال ۱۸۹۹ اولین کنفرانس صلح به تشکیل دانشگاه صلح نامه انجامید.

بهار ایران



آکسیون هایی در جهت معرفی هدف های کنفرانس اجرا شد و شخصیت های معروف مدافع این اهداف در آن سخنرانی نمودند. همانطور که اشاره شد، سیاستمدارانی مثل نخست وزیر بنگلادش ویا نخست وزیر هلند نیز سخنرانی کردند که شرکت آن ها بحث بز انگیز بود. مثلاً شرکت کنندگان کشورهای مختلف از برگزار کنندگان کنفرانس خواستار شدند که علت دعوت از نخست وزیر بنگلادش را به کنفرانس صلح توضیح دهند و در موقع سخنرانی او سازمان های مدافع حقوق بشر بنگلادش پلاکاردهایی را در مقابل درب ورودی سالن سخنرانی به شرکت کنندگان نشان می دادند که "حسینا" را به عنوان فاشیست و سرکوبگر مردم بنگلادش معرفی می نمود. به هنگام سخنرانی نخست وزیر هلند نیز حاضرین او را جهت بمباران های ناتو در یوگوسلاوی مورد اعتراض قرار داده و فریاد می زدند جای تو در کنفرانس صلح نیست! که او سعی نمود به نوعی موضوع را از سر خود رفع کند.

در این جا به چند نمونه از موضوعات و فعالیت هایی نیز که توسط سازمان های شرکت کننده در کنفرانس انجام گرفت اشاره می کنیم.

گردهم آیی های متعددی در باره تاکید بر نابود کردن سلاح های اتمی، خاتمه دادن به جنگ برای همیشه، قرارداد همه سلاح های جنگی از سرتاسر دنیا در اختیار سازمان ملل متحد، و اصلاحات دموکراتیک در این سازمان به منظور اجرای صحیح این امور برگزار گردید.

یکی از تشکل های شرکت کننده خواستار تشکیل "مجلس مردمی جهانی برای قرن بیست و یکم" بود که در قالب سازمانی به همین نام فعالیت می کرد و در

جریان جلسات از همگان برای حمایت و همبستگی با آن دعوت می نمود که با استقبال قابل توجهی مواجه شده بود.

تشکل دیگری نیز که به عنوان شرکت کننده در کنفرانس پیک غرفه کتاب و اطلاعات برقرار کرده بود سازمانی به نام "دیر یاسین" بود که توسط یک استاد دانشگاه از کالیفرنیا در سال ۱۹۸۸ تشکیل شده بود و هدفش فراموش نشدن جنایت های صورت گرفته در دیر یاسین در سرزمین فلسطین بود.

موضوع یکی دیگر از این گروه هم آبی ها ضعف اجرایی قوانین حقوق بشر بین المللی بویژه در برخورد با دولت ها بود. سخنران این جلسه به نام "اولیور روسباخ" که یک حقوقدان سوئیس بود می گفت که حتی کشورهای غربی و امضاء کنندگان همه پیمان ها و قوانین بین المللی، به هنگام طرح منافعشان از عمل به آنها طفره می روند و هیچ تضمینی برای اجرای قوانین و برخورد با متخلفین آنها وجود ندارد. او به عنوان مثال به جریان پرونده دو تروریست اعزامی از جانب حکومت ایران که عاملان قتل دکتر کاظم رجوی در سوئیس بوده و

گزیده هایی از:

اخبار

و

گزارشها

## امور خارجی

## رادیو اسرائیل ۱۷ فروردین؛

(نمایندگان پارلمان فرانسه) علاوه بر تهران از اصفهان و شیراز نیز دیدن خواهند کرد. آقای ژان میشل بوشران، عضو حزب سوسیالیستها در گفتگو با خبرنگاری دولتی ایران ابراز اطمینان کرد که سفر حجت الاسلام خاتمی به پاریس بالاخره انجام خواهد شد ولی برای آن مهلت یکسال آینده را ذکر کرد. هفته پیش هنگامیکه دفتر حجت الاسلام خاتمی برای نخستین بار اعلام کرد که انجام این سفر (سفر خاتمی به فرانسه) به تعویق افتاده عدم توافق با فرانسه را برای رعایت برخی شئون ملی و اسلامی بعنوان دلیل، ذکر کرد که محافظ فرانسه بعنوان جزئیات آن از سرو شدن شراب در ضیافت‌های رسمی به افتخار حجت الاسلام خاتمی سخن گفتند اما روزنامه های تهران فاش ساختند دلایل مهمتری در پشت پرده وجود دارد که بخاطر آن خود حجت الاسلام خاتمی مایل به انجام این سفر در حال حاضر نیست که این دلایل، به فرانسه ربطی ندارد و از اختلافات داخلی دو جناح حکومت ناشی میشود.

## رادیو اسرائیل ۲۰ اردیبهشت؛

حزب حاکم عراق، بعث، با انتشار بیانیه ای حکومت اسلامی ایران را به انعقاد

قرارداد محرمانه با ایالات متحده برای خنجر زدن به عراق از پشت متهم ساخت... آتسای خرازی در مصاحبه با روزنامه انگلیسی زبان چاپ تهران، کیهان اینترنشنال گفت؛ عراق فاقد اراده سیاسی برای بهبود روابط با ایران است. روزنامه الثورة امروز نوشت؛ سخنان مقامات عراق چه در خفا، چه در ملاعام یکی است... ولی مقامات ایران که در ملاعام ایالات متحده را تقبیح می کنند و با لقب شیطان بزرگ از آن یاد میکنند در پشت پرده با همین شیطان بزرگ به عادیسازی روابط پرداخته اند... این روزنامه چاپ بغداد وزیر دفاع عربستان سعودی را که هفته گذشته به تهران سفر کرد به عنوان هم پیمان مهم امریکا در منطقه، به گذاشتن سخنان ضدعراقی بر زبان آقای خرازی متهم ساخت.

## رادیو رژیم ۲۸ اردیبهشت؛

... سخنگوی وزارت امور خارجه اعلام کرد در پی دیدار وزیران امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و انگلیس در حاشیه اجلاس پنجشنبه و چهارم مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در مهر ماه ۱۳۷۷ برگزار شده و توافق آنان برای عادی سازی و ارتقای روابط سیاسی دولتین جمهوری اسلامی ایران و انگلیس ( طرفین ) سفیران پیشنهادی خود را برای درخواست پذیرش معرفی کردند. آقای عاصفی افزود؛ در پی درخواست رسمی دو کشور، برای اعطای پذیرش به سفرای پیشنهادی و انجام بررسیهای لازم، دو دولت موافقت خود را با پذیرش کاردارهای فعلی بعنوان سفیر آتی اعلام کردند ( نیکلاس براون، فردیکه ملاقاتش در دو سال پیش با لاریجانی جنجال آفریننده بود، بعنوان سفیر انگلیس در تهران، و غلامرضا انصاری سفیر رژیم در لندن ) . لذا از این تاریخ روابط دو دولت جمهوری

اسلامی ایران و انگلیس رسماً به سطح سفارت ارتقا می یابد.

## کودکان

## رادیو آلمان ۲۲ اردیبهشت؛

طبق عهدنامه سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودکان، سن سربازان نباید کمتر از ۱۵ سال باشد و سازمان حمایت کودکان ملل متحد «یونیسف» با توجه به کنفرانس صلح لاهه که از دیروز آغاز شده خواستار افزایش حداقل سن سربازان به ۱۸ سال است... ولی حتی در جهان غرب مخالفتی با این پیشنهاد ابراز شده و منجمله امریکا و انگلستان تا کنون حاضر به قبول آن نشده اند. در امریکا نیز مانند آلمان فدرال، جوانان از سن ۱۷ سالگی و در انگلستان حتی از سن ۱۶ سالگی مشمول خدمت وظیفه هستند ولی سرنوشت نوجوانان در بسیاری از نقاط جهان که آنها را به صحنه نبرد می فرستند تیره و غم انگیز است...

## جنگ قدرت جناحها

## رادیو فرانسه ۱۸ فروردین؛

بدنبال حکم شفاهی دادگاه انقلاب اسلامی تهران انتشار روزنامه زن به مدیریت فاطمه هاشمی از امروز متوقف شد. بگزارش روزنامه کیهان چاپ تهران دادگاه انقلاب به چاپخانه ای که روزنامه زن در آن چاپ می شد دستور داد تا اطلاع ثانوی از چاپ این روزنامه خودداری کند... (دستور توقیف) در پی انتشار پیام نوروزی شهبانو فرح پهلوی و چاپ کاریکاتوری است که در آن «دیه»، از اصول اسلامی به تمسخر گرفته شده است. حجت الاسلام رهبرپور رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تهران گفت که

حکم عدم انتشار روزنامه زن را تا اطلاع ثانوی و تا زمانیکه مدیر مسئول آن فائزه هاشمی مورد محاکمه قرار گیرد صادر کرده است. از سوی دیگر... روزنامه رسالت نوشت؛ گفته میشود که سفر فائزه هاشمی به امریکا با اعتراض شدید آقای هاشمی رفسنجانی مواجه شد و به دستور ایشان لغو گردید.

### رادیو فرانسه ۳۰ فروردین؛

امروز چند هزار تن از دانشجویان طرفدار جناح تندرو حکومت ایران علیه نیروهای اصلاح طلب در مقابل مجلس شورای اسلامی در تهران دست به تظاهرات زدند. تظاهرکنندگان خواستار برکناری عطاالله مهاجرانی از وزارت فرهنگ شدند و علیه فائزه رفسنجانی دختر رئیس جمهوری پیشین ایران نیز... شعار دادند تظاهرکنندگان از طرف دیگر به سخنان اخیر بیل کلینتون رئیس جمهور امریکا که از سیاستهای ۱۵۰ سال اخیر غربیها در ایران ابراز تأسف کرد حمله کرده، آنرا یک توطئه توصیف نمودند.

### رادیو اسرائیل ۹ اردیبهشت؛

در ادامه مبارزه آشتی ناپذیر بین دو جناح قدرت در ایران، امروز اعضای انجمن شهر تهران در یک دهن کجی آشکار به هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات همه ۵ نفر افرادی را که از جانب این هیئت فاقد صلاحیت اعلام گردیده و گزینش آنها به عضویت شورا باطل دانسته شده بود بعنوان رئیس و منشی و کارپرداز برگزینند... در گشایش کار شورا پیام... خامنه ای در این زمینه قرائت گردید. ... در نخستین جلسه شورای شهر تهران و با حضور... خاتمی، حجت الاسلام عبدالله نوری... بعنوان رئیس، آقای سعید حجاریان مدیر مسئول روزنامه صبح امروز و از مقامات برجسته پیشین

وزارت اطلاعات بعنوان نایب رئیس برگزیده شدند. آقای ابراهیم اصغرزاده... بعنوان منشی اول و آقای احمد حکیمی پور بعنوان منشی دوم و آقای محمد عطریانفر در سمت کارپرداز برگزیده شدند. به این ترتیب همه ۵ نفر افرادی که مقامات عالی شهر تهران را بدست گرفتند دقیقاً همان نفراتی هستند که هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات آنها را فاقد صلاحیت و گزینش آنان را غیرقانونی اعلام کرده بود.

### رادیو اسرائیل ۱۱ اردیبهشت؛

در جلسه مهم امروز مجلس شورای اسلامی که در طول آن آقای عطاالله مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به استیضاح کشیده شد وی سرانجام در پست خود ابقا گردید و اکثریت مجلس به او رأی اعتماد داد... آقای مهاجرانی به خاطر این موارد به استیضاح کشیده شد: توهین به مقسّات و ترویج فساد و فحشا... تمجید از نظام طاغوت و طاعوتیان، تحریف مبانی نظر امام و اهداف انقلاب... توهین به نهادها و مسئولان آنها و تشویق به ایجاد رابطه با امریکا و... سخنان حجت الاسلام آقای ناطق نوری رئیس مجلس در آخرین دقیقه نشست امروز پارلمان تهران... جمع آرا ۲۶۳ رأی، ۱۲۱ موافق، ۱۳۵ مخالف، ۷ ممتنع، بنابراین استیضاح رأی نیاورد و آقای مهاجرانی همچنان بعنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ادامه خدمت می کند.

### رادیو اسرائیل ۲۰ اردیبهشت؛

انتشار متن آخرین سخنرانی آقای محمدجواد لاریجانی یک چهره برجسته جناح راست حکومت امروز موج خشم علیه وی را تجدید کرد... او گفت؛ آقای مهاجرانی آزادیخواه نیست بلکه فقط با آزادی لاس می زند. آقای

لاریجانی حجت الاسلام خاتمی را بطور غیرمستقیم به شمر و ابن زیاد تشبیه کرد و گفت؛ حتما شمر هم در زمان اصام حسین میخواست آزادی را برقرار کند و ابن زیاد هم دنبال جامعه مدنی بود.

### رادیو فرانسه ۲۲ اردیبهشت؛

اتمه جمعه سراسر ایران در پایسان گردهمایی خود در تهران، امروز چهارشنبه با انتشار قطعنامه ای از حرکتیهای خزنده فرهنگی ابراز نگرانی کردند و هرگونه رابطه با امریکا را مردود دانستند... این قطعنامه از مطبوعات و رسانه ها خواست که آب به آسیاب دشمن نریزند...

### رادیو اسرائیل ۳ خرداد؛

خبرگزاری رویتر نیز چند روز پیش نوشته بود؛ اوین یک زندان واقعی برای آقای کریاسچی نیست و او بسا تسهیلات و امکانات خاص، اوین را به ملک شخصی خویش مبدل کرده از جمله چند تلفن همراه دارد و آزادانه با هرکسی که میخواهد ملاقات میکنند و نیز از مرخصیهای ویژه برای خروج از زندان برخوردار می شود.

### اعتراضات سرکوب

#### رادیو فرانسه ۲۱ فروردین؛

سرلشگر علی صیاد شیرازی جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بامداد امروز در سوقصدی در تهران به قتل رسید. به گزارش خبرگزاری ایرنا این سوتقصد در ساعت ۶ و ۴۵ دقیقه بامداد هنگامی که تیمسار صیاد شیرازی از منزل عازم محل کارش بود صورت گرفت. روزنامه کیهان چاپ تهران به نقل از شاهدان عینی نوشت؛ تروریست در لباس رفتگر شهرداری با نزدیک شدن به اتومبیل تیمسار صیاد شیرازی او را در مقابل خانه مسکونیش... به قتل رساند... سازمان

قرارگاه اشرف نمود که در اثر آنها شش نفر از شهروندان عراقی به قتل رسیدند.

این اعمال مورد اعتراض و محکومیت دولت و پارلمان عراق و بسیاری دیگر از شخصیت ها و سازمان های ایرانی و بین المللی واقع شد.

## اقتصادی - اجتماعی

### رادیو رژیم ۳۱ فروردین؛

(معاون اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی) بالاترین میزان نرخ تورم را متعلق به استان کرمانشاه، معادل ۲۴ و یکدهم درصد و پایینترین آن را مربوط به استان هرمزگان برابر با ۱۴ و پنج دهم درصد ذکر کرد. آقای جلالی، نرخ تورم در استان تهران را در سال ۷۷ نوزده درصد اعلام کرد و گفت؛ در سال گذشته نرخ تورم در سایر استانهای کشور بین ۱۷ و سی تا ۲۲ و هفت درصد بوده است. معاون اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی افزود؛ در بین ۸ گروه اصلی، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در سال ۷۷ بالاترین رشد قیمت، متعلق به گروه خوراکیها، آشامیدنیها و دخانیات به میزان ۲۴ و هشت درصد و گروه درمان و بهداشت برابر ۲۴ و نه درصد بوده است. کمترین میزان افزایش مربوط به گروه پوشاک، اثاث، کالاها و خدمات مورد استفاده در... گزارش شده. نرخ رشد تورم در سال ۷۷ بطور عمده علت بالا رفتن شاخص گروه مواد خوراکی بمیزان ۲۵ درصد بوده است.

### رادیو فرانسه ۳۱ فروردین؛

... صادرات ایران به اتحادیه اروپا در سال ۹۸ میلادی نسبت به سال پیش از آن حدود یک و سه میلیارد دلار کاهش یافت و به ۴ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار رسید. واردات ایران از اتحادیه اروپا نیز در سال

اختیار داشت خودکشی کرد ولی درمورد آزندانی دیگر هنوز گزارشی در دست نیست.

### رادیو اسرائیل ۲۹ اردیبهشت؛

یک سازمان کُرد ایرانی اعلام کرد که دو تن از فعالان آن اعدام شده اند و نفر سوم در خطر مرگ قرار دارد. اتحاد انقلابیون خلق کردستان در بیانیه ای که امروز انتشار داد نوشت؛ اعدام شدگان... شش ماه پیش در جریان ردهووردهای مسلحانه با پاسداران حکومت اسلامی اسیر شده بودند...

### رادیو اسرائیل اول خرداد؛

به نوشته روزنامه نشاط حال دو نفر از مجروحان حادثه چهارشنبه گذشته دهکده احمدآباد وخیم است. در آن رویداد گروههای ستیزه جو و خشونت طلب به مراسم زادروز دکتر محمد مصدق حمله بردند و دهها نفر را که اکثراً جوانان دانشجوی آزادیخواه بودند زخمی کردند... (یک خاتم حاضر در مراسم روز حادثه نیز به رادیو فرانسه گفت؛ گفتگوی تمدنهای آقای خاتمی امروز در احمد آباد پیاده شد)

### نشریه مجاهد ۲۵ خرداد ۱۳۷۸

بامداد روز چهارشنبه ۱۹ خرداد یک اتوبوس حامل مجاهدین در حوالی بغداد در اثر انفجار یک خودرو پر از سواد منفجره که به وسیله عوامل رژیم جمهوری اسلامی در کنار خیابان پارک شده بود، متلاشی گردید و در اثر آن شش نفر از اعضاء این سازمان کشته و ۲۱ نفر آنها مجروح گردیدند. در اثر این انفجار یک اتوبوس حامل شهروندان عراقی نیز منفجر گردید که باعث مجروح شدن تعدادی از مسافران آن شد. بعد از آن نیز روز پنجشنبه ۲۰ خرداد رژیم ایران مبادرت به پرتاب سه موشک زمین به زمین دور برد به سوی

مجاهدین خلق که مرکز آن در عراق قرار دارد مسئولیت این سوقتصد را برعهده گرفت. یک سخنگوی این سازمان در تماس تلفنی با خبرنگاری فرانسه در نیکوزیا گفت؛ چند واحد عملیاتی سازمان مجاهدین خلق صیادشیرازی را به سزای اعمالش رساندند... سخنگوی مجاهدین خلق در گفتگوی تلفنی با خبرنگاری فرانسه تیمسار صیادشیرازی را به عنوان قصاب کردستان و مسئول پاکسازی و اعدام نظامیان در هنگام جنگ با عراق و مسئول مرگ صدها تن از مجاهدین خلق و جنایتکار جنگی و جنایت علیه بشریت (معرفی کرد)... صیاد شیرازی در سال ۱۳۶۰ با حکم آیت اله خینی به عنوان فرمانده نیروی زمینی ارتش منصوب شد و آخرین بیعت وی جانشین ریاست ستاد کل نیروهای مسلح بود و در شانزدهم فروردینماه جاری، ۵ روز پیش توسط آیت اله خامنه ای به درجه سرلشگری نایل شده بود...

### رادیو اسرائیل ۲۶ اردیبهشت؛

یک روزنامه چاپ تهران امروز جزئیات بیشتری درباره شورش زندانیان در زندان خرم آباد که به قتل امام جماعت زندان و محافظ او انجامید منتشر کرد و نوشت؛ شمار مقتولین این حادثه ۶ نفر بوده است. به گزارش روزنامه انتخاب در این حادثه که عصر روز پنجشنبه گذشته روی داد ۵ تن زندانیان محکوم به اعدام، حجت الاسلام محمد کشوری و ۴ تن از ماموران محافظ زندان را به گروگان گرفتند و هر ۵ نفر را از پای درآوردند روزنامه انتخاب فاش ساخت زندانیان پس از قتل امام جمعه و ۴ تن از محافظان، توانستند فرار کنند ولی پس از مدت کوتاهی توسط نیروهای انتظامی دستگیر شدند. بنابراین گزارش یکی از ۵ زندانی دوباره دستگیر شده با سلاحی که در

# ناتو و جنگ کوزوو!

(برداشتی از گزارش لوموند)

عباس - ر

«جنگ کوزوو - ناتو و سیاست اروپا در قبال امریکا»

صربستان ۸۰ درصد کارخانه های کشور زیان می دهند و دستمزدها تا ۱۵۲ مارک پائین آمده. حال آنکه در کرواسی مزدها ۷۵۷ و اسلوانی ۱۰۴۰ مارک هستند.

ذخایر ارزی صربستان تا ۵ میلیون دلار سقوط کرده است و اگر اروپا به کمک نیاید تا چند ماه دیگر بیشتر بر پا نیست. میلوسویچ سعی بر آن دارد که از این بحران به هر شکلی بیرون آید و تمامی برنامه ها و وسایل ارتباطی مملو از خبرها و تبلیغات

جنگ کوزوو است. مسئله دوم: ارتش و قوای انتظامی و سازمان امنیت صربستان است. قبل از جنگ، تصفیه در ارتش بعمل آمد. اما اینک که جنگ در گرفته است این قوا پشت سر میلوسویچ متحد شده اند.

مسئله سوم: که میلوسویچ به جنگ پناه برده است در حقیقت او که کمونیست است برگ یک ناسیونالیست افراطی را بازی می کند و مثل یک قمار هرچه بیشتر از این برگ استفاده کند، مشکلات اقتصادی و فساد رشد بیشتری پیدا می کند. در صربستان فساد و وسعت پیدا کرده

و کسان و نزدیکان دیکتاتور همه به فساد آلوده اند. (لوموند)

نیود آزادی و اینکه میلوسویچ تا چه اندازه می تواند این بحرانها را حل کند خود سوالی است که همیشه بی جواب مانده است و ایسن سنت دیکتاتورهاست. ولی میلوسویچ باید به این سوال جواب دهد تا

تلفن و مراکز نشر و... چندین بار بمباران شده است ناتو آنقدر ناشیانه عمل کرد که چندین مورد بمبهایش را روی سر مردم بی گناه کوزوو و چادرهای صحرایی ریخته است

حدود ۲ ماه و اندکی است که از حمله ناتو به صربستان و قسمتی از کوزوو میگذرد و هزاران نفر در این جنگ جان خود را از دست داده اند و دهها هزار نفر آواره

نکنته مهمی که در این بین وجود دارد اینست که چرا اروپا در این جنگ وارد شده است چه هدفهایی را دنبال می کند؟ حکومتهای سوسیال دموکرات چرا تن به چنین جنگی داده اند که مجوز سازمان ملل را نیز ندارند؟

و بعد از مردم آواره و بازماندگان کشته ها معذرت خواهی کرده است!!

در این میان نقش امریکا را نباید نادیده گرفت، نقشی که کاملاً مشخص است، عمل نظامی در اروپا که سود آن به نفع امریکا است. از یک طرف اتحادیه اروپا را شریک جرم خود کرده است و از طرف دیگر اروپا را در یک جنگی انداخته است که به سادگی هم از آن بیرون نخواهد آمد. سوم اینکه روسیه را در یک بحران سیاسی پیچیده ای فروبرده است که تضادهای داخلی روسیه را شدیدتر کرده است که حتی منجر به استیضاح یلتسین شده است.

بد نیست نگاهی گذرا به تحلیل لوموند دیپلماتیک آوریل ۹۹ بیندازیم تا مشخص شود ریشه این جنگ کجاست و به کجا خواهد انجامید؟ مسئله اول: میلوسویچ از آن رو جنگ را پذیرفته است که وضعیت اقتصادی در یوگسلاوی رو به وخامت می گذارد. بقول رئیس سابق بانک مرکزی

کشورهای اروپایی بخصوص مقدونیه شده اند ولی همچنان مسئله کوزوو و جنگ با صربها ادامه دارد. بدون اینکه به نتیجه مشخصی رسیده باشد در واقع نه تنها ناتو نتوانسته است صربها را به تسلیم وادارد بلکه در درون ناتو چنددستگی بوجود آمده است و صاحب نظران معتقد هستند احتمال دارد ناتو عقب نشینی کند. بعنوان مثال آلمان که نقش بسزایی در ناتو دارد مورد انتقاد قرار می گیرد و حزب سبزهای آلمان که طرفدار عمل نظامی در یوگسلاوی است از جانب طرفدارانش سخت مورد اعتراض قرار گرفته بطوریکه در جریان یک سخنرانی، یوشگانیشر مورد حمله تخم مرغهای رنگی قرار می گیرد.

ناتو با حملات هوایی اش تا جایی پیش رفته که با میلوسویچ بطور شخصی برخورد می کند و خانه میلوسویچ را مورد حمله های هوایی قرار داده همچنین در طی هفته های اخیر رادیو و تلویزیون صربها و مرکز



در این میان نقش آمریکا را نباید نادیده گرفت، نقشی که کاملاً مشخص است، عمل نظامی در اروپا که سود آن به نفع آمریکا است. از یک طرف اتحادیه اروپا را شریک جرم خود کرده است و از طرف دیگر اروپا را در یک جنگی انداخته است که به سادگی هم از آن بیرون نخواهد آمد. سوم اینکه روسیه را در یک بحران سیاسی پیچیده ای فروبرده است که تضادهای داخلی روسیه را شدیدتر کرده است که حتی منجر به استیضاح یلتسین شده است.

از جهتی اولین عملیات ناتو با سازمان و شرایط جدید است از هدفهای آن توسعه ناتو به اروپای شرقی است. اروپا قصد داشت نیروهای دفاعی مشترک تشکیل دهد، میتران آنرا پیشنهاد کرد اما دولتهای دیگر اروپا نپذیرفتند حتی پیشنهاد شیراک که این نیرو ایجاد شود اما برای وارد شدن در عملیات کوشید موافقت ناتو را بدست آورد پذیرفته نشد. بنابراین عملیات در صربستان نوعی چشم پوشی از ایجاد نیروی دفاعی اروپایی مستقل است.

نکته مهمی که در این بین وجود دارد اینکه چرا اروپا در این جنگ وارد شده است چه هدفهایی را دنبال می کند؟ حکومتهای سوسیال دموکرات چرا تن به چنین جنگی داده اند که مجوز سازمان ملل را نیز ندارد؟ افکار عمومی اروپا دایم در معرض این سؤال است که اروپا به چکار می آید؟ نزدیک انتخابات مجلس اروپایی است با توجه به مانور آمریکا، اروپا نمی توانست تماشاگر باشد و ابتکار عمل را یکسره به آمریکا سپارد، اینست که ناگزیر از موافقت و همراهی در عملیات نظامی شد. اروپا هنوز آن توان را ندارد که به تنهایی بحران بالکان را حل کند، موافقت نکردن با آمریکا این خطر را دارد که بحران بطول انجامد و امواج پناهندگان، ایتالیا و دیگر کشورها را فراگیرد.

اجرای سیاست پاکسازی قومی اگر موفق شود دیو خفته را بیدار می کند گرایشهای راست افراطی در برخی کشورهای اروپایی در حال ضعیف شدن هستند این گرایشها از نو قوت می گیرند و اروپا را با مشکل داخلی بزرگی روبرو می کنند.

بالکان موقعیت استراتژیک مهمی نیز دارد. ضعف ناتو در مدیترانه شرقی، همزمنی آمریکا را در خاورمیانه نیز متزلزل

باز کرده است. در واقع آمریکا بهانه ای برای وارد شدن به این جنگ را بدست آورده است! با از میان رفتن بلوک کمونیست خطرهای طوری دیگر شده است. در حال حاضر، ناتو همچنان سازمان یافته که با چهار نوع خطر بتواند مقابله کند:

۱- خطر دو جنگ منطقه ای با اهمیت جنگ خلیج فارس

۲- امدادهای انسانی به مقیاس بزرگ  
۳- استقرار قوای نظامی و بنسای تجهیزات لازم در مناطق بحران به ترتیبی که عملیات جنگ از فاصله دور میسر باشد

۴- بکاربردن دائمی وسایل کسب اطلاع و تعقیب و مراقبت با هدف فعالیتهای خرابکارانه و تروریست. براساس این خطرهای و تجدید سازمان ناتو قوای آمریکا به سه قسمت تقسیم شده اند:

الف- قوای مستقر در اقیانوس اطلس و اروپا و مدیترانه و خاورمیانه

ب- قوای مستقر در اقیانوس آرام که هدف آن متعادل کردن ارتش چین و کره شمالی و مهار بحرانهای احتمالی در بخش آسیای دور روسیه

ج- « قوای خاص عملیات سریع » که می توانند در هر یک از دو منطقه وارد عمل شود.

عملیات هوایی در صربستان از جهتی دومین عملیات (اولی جنگ خلیج فارس) و

چقدر می خواهد این وضعیت همچنان لاینحل را نگاه دارد؟ لوموند چنین جواب می دهد: تجربه نشان میدهد که: ۱- در کرواسی و در بوسنی دو جنگی که او بانیش شد کشتار و ویرانی عظیم بسار آورد و به زبان اقلیت صربها تمام شد. ۲- چهار مشکل بالا از بین نرفتند بلکه پیچیده تر شدند. برای بازسازی اقتصاد صربستان باید روی به اروپایی ها آورد که خواهان برکناری میلوویچ هستند.

## چرا حملات هوایی شروع شد؟

لوموند پاسخ می دهد:

در پی حملات هوایی بسیار گفته و نوشته اند اما در بمباران های هوایی از ناحیه دیگری نیز می توان نگرست ناتو برای حفظ اروپای غربی و در برابر هجوم بلوک کمونیست بوجود آمده بود آن بلوک از میان رفت اما ناتو همچنان باقی ماند، سه کشور عضو پیمان ورشو نیز عضو آن شدند و حالا ناتو در اروپای شرقی وارد عملیات جنگی شده است و روسیه به مثابه وزنه تعدیل ابرقدرت آمریکا وجود ندارد. از دید آمریکا حملات هوایی به صربستان، استقرار همزمنی «تنها ابر قدرت» حتی در اروپای شرقی است. به عبارت دیگر آمریکا می گوید همه مرزها را بروی قدرت آمریکا

## خاطرات

## چرا از کشته شهیدان می ترسند

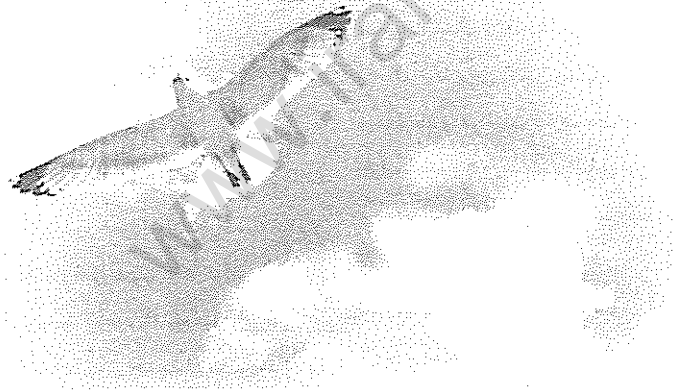
## « افق »

می دادند. طوری به من نگاه می کردند که گویی هزاران سستال در ذهن کودکانه آنها موج می زند.

حالا دیگر تا حدودی مشخص بود که چند نفر در آنجا دفن شده اند. با اینکه پائیز بود آفتاب سوزش خاصی داشت. بوی خون و گوشت آفتاب خورده نفس کشیدن را سخت می کرد. کم کم حوالی ظهر شده بود.

می یاید" و هر سه نفر بدون آنکه جوابی از من بشتوند، شروع به ریختن خاک روی قبرها کردند. یکی از آنها گفت: "من هر روز می بینم که پاسدارها با موتور می آیند و این قبرها را خراب میکنند." آنگاه رو به من کرد و گفت: چرا؟ من جواب دادم برای اینکه از اینها می ترسند. یکی پرسیده ها خنده معنی داری کرد و گفت: اینها را که

مهرماه ۱۳۶۰ من عاشق سرگردانی بودم. که قرار و آرام نداشتم. به هر کجا که میخواسم بروم عاقبت سر از "تخته فولاد"، (قبرستان اصفهان) در میاوردم. آنجا میرفتم تا شاید در تنهایی بتوانم اشک بریزم و خودم را آرامش بخشم. آن روز هم طبق معمول حدود ساعت ده بود که مثل روزهای قبل آنجا رسیدم. در آن ساعت غیر از من کس دیگری آنجا نبود. سکوتی غم انگیز همه جا را فرا گرفته بود. هرچه نزدیک تر می شدم، دیگر اختیار پاهایم با خودم نبود به دون آنکه بخواهم به سرعت قدم بر میداشتم. نفس زنان به کنار قبرها رسیدم. طبق معمول (روزانه)، بازهم قبرها را به هم ریخته و گود کرده بودند. به سختی می شد تشخیص داد که اینجا عده زیادی را دفن کرده اند. بوی خون آفتاب خورده همه جا را پر کرده بود، بطوری که گاهی غیر قابل تحمل بود. باز هم کار هر روزه من آغاز شد. فاصله



دسته دسته مادران و خانواده های شهیدان را آزادی از راه می رسیدند. اطراف خود را نگاه می کردند ولاله های مخفی کرده را از لابلاهای چادر های خود بیرون آورده روی قبرها قرار میدادند، گریه و راز و نیاز همه خانواده ها دلخراش و رنج آور بود. به هر طرف که نگاه میکردم تاب و توان خود را از دست میدادم. خانواده ای خوزستانی از راه رسیدند. هلپله کنان دور قبر شهیدشان

کشته اند، چرا از مرده آنها می ترسند؟ من جواب دادم اینها که حالا این چنین آرام خوابیده اند، کسانی بوده اند که میخواستند برای شما آینده ای زیبا بسازند. و چون خمینی نمی خواهد اینها این کار را بکنند، آنها را می کشد و حالا از مرده آنها هم می ترسد. می ترسد شما از وجود چنین افرادی با خیر شوید و راه آنها را ادامه دهید. آن سه با تعجب به حرفهای من گوش

قبرها با قبرهای غیر اعدامی ها را وجب کرده بالای سر هر کدام آجری قرار دادم، و با دست هایم شروع به ساختن قبرها نمودم. نمی دانم چه مدت طول کشید، تقریباً حدود پنج قبر را درست کرده بودم که چند پسر بچه دوچرخه سوار در کنارم ایستادند. یکی از آنها به من گفت: "می خواهید کمکتان بکنیم" و در حالی که دستهای مرا نشان میداد گفت: "دست های شما دارد خون

مسلمان هستید، می‌خواستید اذلا یکی را برای من بگذارید." یکی از مادرها می‌گفت فامیل آنها توکلی است و اهل همایونشهر اصفهان هستند. پدرشان آخوند است. به او قول داده بودند اگر خودش پسر هایش را تحویل سپاه بدهد، به آنها کاری ندارند. او هم سادگی کرده و کوچکترین آنها را که شانزده سال بیشتر نداشت، با دست خودش تحویل سپاه پاسداران داده است و آنها هم بلا فاصله او را کشته اند. هوا داشت تاریک میشد که از قبرستان خارج شدم حالا تازه یادم آمد که شب جایی برای خوابیدن ندارم.



کردند. البته این درگیری زیاد به طول نکشید و با عقب نشینی زن‌های حزب الهی به پایان رسید. چند دقیقه بعد مینی بوسی از راه رسید و عده‌ای را پیاده کرد. در پیشاپیش آنها خانمی که به نظر زسر چهل سال می‌رسید بی‌تاب و قرار، خود زنان، با شتاب به طرف قبرها به جلو می‌آمد. خودش را به کنار سه قبر رسانید. تور سفید رنگی روی قبرها انداخت. روی تور را با گل و گز و شیرینی تزئین کرد و فریاد می‌زد: "ای مردم بیایید عروسی پسرهایم است." دیگر همه غم خود را فراموش کرده و دور او جمع شده بودند. آن مادر بیچاره می‌گفت: اگر پسرهای من منافق بودند شما که می‌گویید

راه رسیدند. هلهله کنان دور قبر شهیدشان رقص عزا می‌کردند. این دومین فرزند آن خانواده بود که به آتش قهر و شقاوت شاه و خمینی می‌سوخت. اولی در سینما رقص آسپادان سوخته بود و این یکی را حالا اینطور به شهادت رسانیده بودند.

ناگهان سر و کله حدود چهل زن حزب الهی پیدا شد که اربده‌کشان به طرف ما آمده و در حالی که لگد روی قبرها می‌زدند و تف به روی آنها می‌انداختند، خطاب به شهیدا می‌گفتند: "لعنتی‌ها! شهر را گنجانیده اید، حالا قبرستان را به گند کشیده اید." عده‌ای از مادرها که به شدت ناراحت شده بودند به آنها با سنگ حمله می‌کردند. آنها هم متقابلاً به مادرها حمله

#### بقیه "فاتو و جگه..." از صفحه ۲

وقتی این تدابیر نیز اشتباه خواننده میشود و به پای وزیر سوسیالیست نوشته میشوند جز این تصدیق کسه بنسای ایدئولوژی سوسیالیسم فروریخته است چه می‌توان کرد؟ برای سوسیال دموکراسی سیاست یعنی اقتصاد، اقتصاد یعنی پول و پول یعنی بازار. از این رو به خصوصی کردن مؤسسات اقتصادی مساعدت می‌کند، بامتلاشی شدن خدمات اجتماعی موافقت می‌کند، با ادغام شرکتها و ایجاد غولهای ماورا ملی موافقت می‌کند و دیگر هدف خود را ایجاد اشتغال کامل نیز قرار نمی‌دهد. در بحران سال ۱۹۳۳ نظریه اشتغال کامل کینز به روزولت امکان داد، آمریکا را از بحران بدر آورد اما امروز آن نظریه نیز بسیار چپ شده است!

سوسیال دموکراسی امروز در صریحان جنگ می‌کند و فردا این جنگ را در حومه شهرهای کشورهای تحت حاکمیت خود خواهد کرد. زیرا نمی‌خواهد هیچ چیزی از جای خود تکان بخورد. بخصوص می‌خواهد نظم اجتماعی همان که هست بماند.

#### نتیجه:

بدیهی است بازتاب شکست لیبرالیستی که ایدئولوژی محافظه‌کاران است (احزاب محافظه‌کار انگلستان - دموکرات مسیحی‌های آلمان و ایتالیا و احزاب لیبرال و کلیست فرانسه) و نیز شکست سوسیال دموکراسی بازتاب بسیار گسترده‌ای در سراسر جهان بخصوص در خاورمیانه خواهد داشت و مسلماً این تغییرات جهانی در نظامها، بسی تأثیر در خاورمیانه بخصوص ایران نمی‌تواند باشد! \*\*\*\*

می‌گرداند از این رو توفیق یا شکست ناتو در بالکان وسیع‌ترین بازتاب خود را در خاورمیانه ایجاد خواهد کرد.

لوموند معتقد است که تحولات عمیقی در حال شکل‌گیری در اروپا است که سیر این تحولات چنین است:

تایلپهای راست اروپا دستشان از ایدئولوژی کوتاه شده و همانند اشرافیت دوران فئودالی در حال زوال است. سوسیال دموکراتها جانشین محافظه‌کاران به مثابه راستهای نو می‌شوند (نمونه اش آلمان) آن سوسیالیستی که یکی از اسطوره‌های بزرگ بود و انسانیت را متحد می‌کرد از سوی رهبران سوسیال دموکراسیها مورد خیانت قرار گرفت.

جنگ در بالکان در پی استعفای «اسکار لافونتن» وزیر دارایی آلمان، خبر از تحول سوسیالیستیها برای جانشین محافظه‌کاران شدن می‌دهد. چرا که این استعفا ناتوانی این جریان را در پیشنهاد کردن راه حلی بجای راه حل نولیبرالیسم نشان داد. و نشان داد که سوسیال دموکراسی مجری نظرگاههای نولیبرالیسم شده‌اند. (نمونه اش فیشر وزیر خارجه آلمان از حزب سبزها که اشاره کردیم)

دوستان خود لافونتن به او می‌گویند پنج اشتباه کرده است:

- ۱- خواستار اتخاذ سیاست رونق اقتصادی در سطح اروپا شده است.
- ۲- نظام مالیاتی عادلانه تری را پیشنهاد کرده است.
- ۳- بانک مرکزی اروپایی را مورد انتقاد قرار داده است.
- ۴- خواستار اصلاح نظام پولی جهانی شده است.
- ۵- خواستار پایین آوردن نرخ بهره شده است تا مصرف تشویق و تولید افزایش یابد و بیکاری حذف شود.

# تحقق آزادی با نقش فعال مردم

## «الفه آینده»

به عنوان دشمنان مردم جلوه نکرده و نابودیشان هدف مبارزات مردمی قرار گرفته است.

دسته دوم فعالین صحنه های مبارزات اجتماعی هستند که داستان شان همیشه موضوعی بسیار حساس و بحث برانگیز در جامعه بوده است. معمولا این دسته عامل ارائه طرح های مبارزاتی برای مقابله با حکام دیکتاتور، بوجود آوردن تغییرات در جامعه، یافتن راه حل ها برای مشکلات، ایجاد حرکت های اجتماعی و خلاصه انتقال آگاهی به دسته سوم یعنی توده های مردم میباشند. روش کار اینان در همه جوامع کم و بیش مشابه است. از جمله کارهای آنها را نیز می توان کشف خبرهای سانسور شده و توطئه های ضد مردمی، تجزیه و تحلیل ارتباط بین اوضاع جامعه و اعمال حکام مستبد و افشاء منفعت طلبان از یک طرف، و براه انداختن جریان های اجتماعی و تشکل های سیاسی برای پیشبرد اهداف شان، از طرف دیگر بر شمردن این بخش از جامعه که از آن با عنوان روشنفکران نیز یاد می شود، از جهتی نیز ضربه پذیرند. آنها از دیر باز بین گرایش به منافع مردم از یک طرف و صاحبان قدرت از طرف دیگر، در حال نوسان به سر برده اند. قدرت یافتن جریاناتی که اینان دنبال می کنند، دو راه بیشتر در پیش رو ندارد: یکی جذب شدن به سیستم زور مداران و منفعت طلبان و قرار گرفتن در راستای هدف های آنان، که رفته رفته جبهه جهانی زورمداران را تقویت کرده اند و در رهگذر آن این جبهه تجارب بسیاری

این واقعیت بالا تر از همه، یک باز نگری عمیق را در تنظیم رابطه با مردم از طرف جریان های دست اندر کار مبارزه مطرح می کند. زیرا خوشبختانه اکثریت جامعه پیچ و خم مسائل را به خوبی می شناسند، با دردها و مشکلات موجود دست به گریبانند، و در قبال راه های برون رفت از این مشکلات نیز نظرات و طرح های قابل توجه دارند. بنا بر این قادرند خصوصا در دوران آماده سازی برای تغییر بنیادی در جامعه نظرهای سازنده و راهگشا بدهند. که بیش از پیش این ضرورت را به اثبات می رساند که باید در هر برنامه ای مبارزاتی از طرف نیروها و جریانات مردمی، محلی برای طرح و تاثیر گذاری عقاید همه آحاد جامعه، به طور جدی ایجاد گردد. تا همه اقشار مردم بتوانند در قبال امور جامعه اظهار نظر مستقیم کرده و برخورد موثر نمایند.

در رابطه با اظهار نظر و ایفای نقش فعال در قبال امور سیاسی، جامعه به سه دسته عمده تقسیم می شود. اول صاحبان قدرت و زور که از دیر باز از همه امکانات برای حفظ قدرت و ازدیاد سرمایه هایشان استفاده کرده اند و همیشه به اقتضای شرایط، چه با استدلال های من درآوردی و به خدمت گرفتن روشنفکران عافیت طلب، و چه بدون استدلال و به زور سرنیزه تا آنجا که توانسته اند بر سر راه رشد و پیشرفت جامعه مانع ایجاد کرده، خواسته های خودشان را به پیش برده و خود و برنامه هایشان را به مردم تحمیل نموده اند. این عده بطور سنتی

ابرازحسایت روزافزون مردم بویژه زنان و جوانان، در رابطه با مسایل سیاسی امروز جامعه ایران و استفاده آنان از هر فرصتی برای تاثیر گذاری بر روند تحولات، هر روز ابعاد تازه تری از خود به نمایش می گذارد. گاهی حرکتی از مردم سر می زند که با فرمول های شناخته شده رابطه توده ها و فعالیت های مبارزاتی آنها در شرایط خفقان، قابل شناخت و ارزیابی نیستند. حرکت به گونه صورت می پذیرد که نه می توان آن را خود به خودی نامید زیرا با ظرافت و در خور شرایط مشخص انجام گرفته، و نه می توان رد پای تحلیل های شناخته شده و یا آثار برنامه ای متشکل را در اطراف آن پیدا نمود. در چنین وضعیتی می توان از بلوغ عمومی مردم و عمق ظرفیت آنها برای کسب و حفظ روابط دموکراتیک، در جامعه نام برد، و مهم ترین نتیجه آن اینست که دیگر چنین ملتی را نمی توان غافل نمود و از صحنه حوادث به دور نگاه داشت و در غیاب او برایش برنامه ریزی کرد و نقشه کشید. دیگر نه دعوای ساختگی و پیچ و خم دادن حساب شده به آنها بوسیله باند های حاکمیت، و نه زد و بند های آنان با استعمارگران کهنه و نو موضوعاتی هستند که مردم نسبت به آن بی توجه بمانند و به آن تن دهند، و همانطور که این روزها شاهدیم به مرتع و حساب شده از همه این صحنه سازی ها بهره برداری می کنند، تا جسو مبارزه بر علیه تمامیت رژیم را ارتقاع بخشند.

فداکاری و کسب توانایی های عملی می باشند.

به نظر می رسد که در رابطه با جامعه ایران، ما اکنون ما در آستانه چنین بلوغی قرار گرفته ایم. در ایران امروز، همانطور که اشاره شد، شرایط به گونه ای به پیش رفته که مردم بیش از پیش به زوایای امور واقف شده و از شرایط به خوبی بهره می گیرند. توده های مردم ایران امروز از هر فرصتی برای برگرداندن اوضاع در جهت خواسته هایشان استفاده می کنند. بنا بر این با توجه به امور جاری و در نظر گرفتن جنبه های مطرح شده در بالا، یک واقع نگری عمیق و تلاشی جدی برای گوش فرا دادن به آراء مردم و تمکین در مقابل نظرات آنها مطرح می شود. از این رو آشنایی که برای آینده ایران و ایام پس از سرنگونی رژیم رو به زوال آن در تلاش هستند، لازم است بدون ذره ای مسامحه، در همه مراحل راه را برای اظهار نظر و ایفا، نقش فعال تک تک احاد مردم باز کنند و هر چه سریع تر فعالیت های خود را در این جهت سازمان دهی نموده و سیستم های خود را در این راستا بازسازی کنند.

اکنون دیگر زمان آن فرا رسیده که نقش اساسی را به عهده همگان بگذاریم و همه تلاش ها را حول این محور متمرکز کنیم که افقی هر چه روشن تر برای پایان بی اعتمادی ها ترسیم گردد. باید میدان را برای کسانی نیز باز نمود که همیشه محروم بوده اند و به همین دلیل بیشتر با درد ها و مشکلات آشنایی دارند، و راه های بیرون رفتن از مشکلات را نیز به خوبی می شناسند و قادرند در رابطه با آن نظریات سازنده و راهگشا بدهند.



ساخت و نهایتا مجبور است جای خود را به جریانی نو بسپارد. مسلما این تلاشی نیز تا ابد ادامه پیدا نخواهد کرد و بالاخره راه حلی قابل اتکاء برای پیوند سازنده بین مردم و نیرو های سیاسی و روشنفکران بدست خواهد آمد.

بدلیل یاد شده موضوع ایجاد پیوند زنده و تنگاتنگ بین عموم مردم و نیرو های سیاسی، یکی از مشکلات محوری رشد و توسعه در این دوره است، که نه تنها در جامعه ما بلکه در سایر کشور های جهان و حتی در آنهایی که عنسوان جامعه دموکراتیک را با خود می کشند نیز به طور جدی مطرح می باشد. در این گونه کشورها نیز تقریبا در تمام انواع سیستم های دموکراتیکشان، موضوع فاصله نجومی بین نمایندگان مجالس با مردمی که اینان باید آنها را نمایندگی کنند، یکی از مهمترین موضوعات مورد بحث بوده و مراجعه کردن یا نکردن به نظرات مردم از طریق فرآیند یکی از موارد معروف آن است. که البته ابعاد آن بسیار متفاوت از آن حدی است که ما با آن مواجهیم. اما به هر حال، راه حل نهایی آن است که تشکلات سیاسی بتوانند صفوف خود را در بین لایه های وسیع تر توده ها گسترش داده و رفته رفته توده های بیشتری از مردم را در کنترل، پیگیری و طراحی امور دخالت دهند. انجام این امر مستلزم آنست که تشکلات مردمی از چنان ظرفیتهای برخوردار باشند تا بتوانند نظرات سازنده همه احاد مردم را به اجرا در آورند. که گرچه آنها گاهی از لحاظ توان ستوریک و سایر امکانات ظاهری ضعیف های بسیار دارند ولی به لحاظ درک نارسایی ها و پیگیری امور مصمم و آماده هرگونه

در زمینه جذب نیرو های مردد و ایجاد تزلزل در آنها بدست آورده است. و راه دوم، دنبال نمودن مسیر رشد طبیعی و مورد انتظار خود در میان توده های مردم می باشد.

با وجودی که روند تحولات در جهان در جهت تقویت حاکمیت ارزش های مردمی طی شده، اما متأسفانه گسترش طبیعی دستآورد های مبارزات ترقی خواهانه، در میان توده های مردم سابقه تاریخی دلگرم کننده ای ندارد. از زمان پیروزی انقلاب فرانسه که در آن برای اولین بار مردم قدرت خویش را باور نمودند، همواره وجود فاصله وجدایی بین جریان های سیاسی مبارز و توده های مردم، یکی از مهم ترین موضوعات تعیین کننده در موفقیت یا عدم موفقیت خیزش های اجتماعی بوده است. که هنوز هم به جرات می توان گفت: مسیر زیادی تا یافتن راه حل اساسی جهت مشکل بی اعتمادی و سیال شدن پیوند روشنفکران و توده ها در پیش روست. عموما در مقاطع آماده شدن شرایط برای تثبیت ارزش های مردمی، مستبدان و دشمنان مردم، به کمک امکاناتی که در اختیار داشته اند، ابتکار عمل را به سرعت در دست گرفته، و تنها به دلیل بر حق بودن خواسته های مردم و از ترس طغیان آنها به عقب نشینی های حداقل تن داده اند. اما همانطور که هر پدیده ای مراحل رشد و بلوغ خود را بالاخره طی خواهد کرد، فریب دادن مردم و منحرف نمودن روشنفکران نیز نهایتا روزی اثر خود را از دست خواهد داد. از طرفی یک جریان مدافع حق و آزادی نیز نمی تواند و نباید خود را بر حفظ منافع و قدرت متکی نماید و چاره ای جز این ندارد که هر چه بیشتر رابطه میان خود و مردم را جاری کند و آنان را با خود متحد سازد و گرنه توده ها را دچار سردرگمی خواهد

# پل ارتباطی با دیپلماسی فرودستانه

«م. ح. پیوند»

« اکنون کلت و کیک مک فارلین در جماران را به  
لبخندهای شیادانه خاتمی در سی. ان. ان. با ذبح ضد خلقی  
محتوا و ماهیت کلمات در قالب گفتگوی تمدنها! پیوند زده  
و پل ارتباطی وطن فروشانه ای را بنا می نهند که پایه های  
آن با ورود سولیوانها و ژنرال هویزرها و ملاقاتشان با خمینی و  
شرکا، بر روی اجساد شهدا و قربانیان زمان شاه و انقلاب  
۲۲ بهمن شکل گرفت.»

خمینی و شرکا، بر روی اجساد شهدا و  
قربانیان زمان شاه و انقلاب ۲۲ بهمن شکل  
گرفت.

ماهیت سیاست خارجی رژیم جمهوری  
اسلامی ایران را میتوان از راه بررسی  
رفتارهای سیاسی انجام شده و پیامدهای آن  
تعیین نمود. عملکرد و انگیزه های  
دولتمردان حاکم در این ۲۰ سال کمک زیادی  
در درک سیاست خارجی و سمت گیری آنان  
در اختیار ما می گذارد. «سیاست خارجی  
که به بهترین نحو طرح ریزی و به ماهرانه  
ترین شکلی اجرا شود و متکی به وفور  
منابع مادی و انسانی نیز باشد، اگر نتواند  
به حکومت خوبی تکیه کند، بی ارزش  
خواهد بود»<sup>۱</sup>

حال با هر تبلیغ بی سابقه رسانه های  
استعماری و جبهه استحاله در داخل و  
خارج آیا رژیم با وارد کردن خاتمی قادر به  
رفرم در صحنه داخلی خواهد شد یا نه؟  
عملکرد دوساله خاتمی و شرکا بی پایگی  
چنین توهمی را نشان داده است و سرعت  
تحولات در داخل جامعه، راه فروپاشی و

انقلابات آسیا، صدق میکند. مبارزه علیه  
دیکتاتوری همراه با مبارزه بر ضد استعمار  
هم خواه ناخواه مطرح می گردد چنانچه در  
کشور ما دیکتاتوری مذهبی حاکم در قرن  
بیستم، تحت حمایت مستقیم و گاه  
غیرمستقیم استعمار مدرن! قرار گرفته  
است که با تبلیغات رسانه ای و غیره سعی  
میکند از نضج انقلاب شایسته مردمی در  
ایران جلوگیری نماید.

امپریالیسم و استعمار با پیچیدگی  
مخصوص ایسن دوران، به سیاستها و  
نگرشهای انقلابی و دگرگونساز در تمام  
جهان می نگردد. و به همین دلیل روابط  
پنهانی و وطن فروشانه، از دوره خمینی با  
تمام جهان استعمار و امپریالیسم به راه  
افتاد که اکنون کلت و کیک مک فارلین در  
جماران را به لبخندهای شیادانه خاتمی در  
سی. ان. ان. با ذبح ضد خلقی محتوا و  
ماهیت کلمات در قالب گفتگوی تمدنها!  
پیوند زده و پل ارتباطی وطن فروشانه ای  
را بنا می نهند که پایه های آن با ورود  
سولیوانها و ژنرال هویزرها و ملاقاتشان با

سیاست بازی محدود به دوران معاصر  
نیست، موضوعی است که در طول تاریخ  
جریان داشته است. ناظران سیاسی صحنه  
های معاصر را می نگرند و در این نگرش،  
حوزه های تاکید این ناظران بر اساس بینش و  
نوع ماهیت و استراتژی مورد تشخیص آنها  
باهم متفاوت است. جوامع بشری مسیر رشد  
و شکوفایی را علیرغم عقب نگهداشته  
شدنشان توسط استعمار و حکام دیکتاتور  
طی می کنند. عواملان مشی های ضد  
مردمی دیگر نخواهند توانست در عصر  
ارتباطات و بلوغ فکری جوامع بشری، در  
راه عقب نگه داشتن توده ها در گوشه و  
کنار جهان گام بردارند. با نگاهی به گذشته  
درمی یابیم که انقلابات ضد استعماری بویژه  
پس از جنگ جهانی دوم در نقطه اوج فرایند  
خویش بود. همگام با چنین فرایندی  
دیپلماسی خلقها نیز که در رشد مبارزات  
آنها عینی می گردد، دیپلماسی فرودستانه  
و استعمار پسند را تحت الشعاع قرار  
می هد.

البته انقلاب ضد استعماری به بیانی با  
انقلاب امریکا علیه استعمار انگلیس در  
قرن هجدهم اوج گرفت و با انقلابهای  
امریکای لاتین علیه اسپانیا و پرتغال و  
انقلابهای کشورهای تحت سلطه امپراطوری  
عثمانی علیه این کشور در آغاز قرن  
نوزدهم ادامه یافت.

انقلابهای ضد استعماری مانند همه  
انقلابهای اصیل از مبارزه ای مشروع علیه  
دشمنان بشریت نشأت می گرفت که در  
برخی موارد و در مورد کاملترین آنها یعنی

## «اگر به شیوه دیروز گورباچف در شوروی، امروز خاتمی در ایران، توسط رفرمهایی مانند پروستریکا و گلاسنوست تلاش در تغییر و تحلیل چهره خشونت آمیز و سرسخت این جریانها نمایند لاجرم موجب منلاشی گردیدن آن می گردند.»

خشونت آمیز و سرسخت این جریانها نمایند لاجرم موجب منلاشی گردیدن آن می گردند»<sup>۳</sup>.

۱- به خاطر پیموده شدن روند کمی کسب آزادی توسط مبارزان راه آزادی در این ۲۰ سال است

۲- در همان محدوده تنگ آزادی بیسان هم، آزادی بعد از بیان با مرگ، تسرور و تهدید رویوست.

بیان محدود، آنهم در موارد مشخص گردیده،

یک اندیشه احتیاج به پخش و انتشار دارد و چنین روندی احتیاج به آزادی بدون قید و شرط و برقراری مادی آزادیها یعنی آزادی بیسان است. در کشور ما اگر رژیم جمهوری اسلامی مجبور به پذیرش آزادی

سرنگونی کلیت چنین رژیم را خیلی واضحتر از رفرم مورد دلخواه غسارتگران داخلی و خارجی نشان می دهد. «خطرناکترین زمان برای یک رژیم خودکامه موقعی است که میخواهد رفرم بشود»<sup>۲</sup>.

اصلاحات و رفرم با رفرم اقتصادی و جلوتر از آن با رفرم سیاسی در یک جامعه امکان پذیر است. گورباچف هم فکر می کرد شوروی قابل رفرم است و در چهارچوب چنین رفرمی اتحاد شوروی حفظ و حزب حاکم هم تثبیت می شود. «اگر به شیوه دیروز گورباچف در شوروی، امروز خاتمی در ایران، توسط رفرمهایی مانند پروستریکا و گلاسنوست تلاش در تغییر و تحلیل چهره

## خط هشی آشفته در سیاست خارجی

در دوره رفسنجانی توده ها را به خیال خود به خواب می بردند.

وقتی مصدق بر سوابق سید ضیا در دوره رضاشاه وابسته انگشت می گذاشت وی شروع به لجن پراکنی علیه او کرده و می گفت؛ او (مصدق) آدم عوامفریبی است و بقیه هم او را بخاطر پانشاری بر مبارزه استقلال طلبانه و آزادخواهانه اش علیه دیکتاتوری و استعمار، به یكدندگی و فردیت متهم می کردند. بی جهت نیست که در شرایط حساس کنونی نیز جبهه استحاله که اکنون همسوئی شان با امپریالیسم و استعمار به نکات بارز و روشنی رسیده مخالفین، بویژه جبهه برانداز رژیم جمهوری اسلامی از دامن پاک میهن را متهم به خشونت طلبی و ضدیت با جامعه مدنی؛ و سنگ اندازی در مسیر توسعه سیاسی؛ مرحمتی سید ضیا دوران، محمدخاتمی می کنند. اینجا دیگر رابطه نبرد و سیستم مقله ای کهنه قلمداد میشود و گویا جامعه مدنی در کشوری که ولایت فقیه

فرصت طلبانه به خود خواهد گرفت و خلق و جامعه نیز قربانی چنین فرصت طلبی و ارتجاع فهمی از اوضاع جهانی و داخلی خواهند بود. تعدادی از باندهای درونی حاکمیت، در سیاست خارجی احتمالا راه عزت را در مسیر ام القرای جهان اسلام؛ طی میکنند تعدادی هم بر اثر آشفتهگی دستگاه ولایت لبخند حکمت می زنند و تعدادی دیگر لابد مصلحتی در جا میزنند تا عمرشان تمام شود. همه این باندها بر اساس ماهیت بینشی شان مملکت را دچار تفرقه و تشتت کرده و طرفهای خارجی را وادار به همگونی در چپاول بی دردهر و متمدانه؛ می کنند. آنها بند حقوق بشر را از درخواستهای سیاست خارجی شان حذف میکنند چون برایشان صرف نمی کند که توجه کنند پل ارتباطی نورسینه، ۱۱ سال وزیر ارشاد و مستول تبلیغات جنگ ضد میهنی ... بوده بلکه تبلیغ می کنند که گذشته متعلق به طیف ارتجاعی است و اینها مدره اند. دقیقاً با همان داستانی که

اصول سیاست خارجی رژیم را توریسین وابسته گرای دربار ولایت، محمد جسواد لاریجانی از دوره خمینی در قالب کلماتی به مردم عرضه کرد که میتوان هر معنا و برداشتی به جز اصول متقن و واضح سیاست خارجی را از آنها فهمید. این توریسین و شرکا اصول سیاست خارجی رژیم را چنین عرضه می کنند؛ عزت، حکمت، مصلحت نظام.

با این مبانی نوعی مصلحت گرایی در دیدگاه رژیم حاکم شده که در آن اخلاق و وطندوستی و مردم سالاری حذف و بیشتر اصول متناقض فقهی و استراتژی روضه ای که قابل تفسیر است وارد سیاست خارجی می گردد. در ارتقای این استراتژی، شورای تشخیص مصلحت نظام کارگزار چنین مصلحت گرایی توانست باشد.

سیاست خارجی نیز مانند هر سیاست دیگر از جمله سیاست داخلی، اگر از اخلاق و روحیه استقلال خواهی و سیستم ارزشی دیگر تهی گردد مفهومی بغایت ارتجاعی و

حاکم است و گفتگوی تمدن‌ها! پیاز داغ چنین مدنی است چهره سید ضیا دوران را می‌توانند با الفاظ مدنی و توسعه سیاسی بزرگ نمایند.

اکنون ساختار کلی رژیم جمهوری اسلامی ایران به جایی رسیده که نداشتن سیستم مشخص اقتصادی و بحران هویت

ایتالیا در پروژه های نفت و گاز ایران در آینده به سرعت افزایش پیدا می‌کند. <sup>۵</sup> علیرغم ناکامی طیف جدید ولایت فقیه در پیشبرد معاملات تجاری در ایتالیا و درهم‌ریختگی بعدی که بوجود آمده است ولی بازیگران اصلی، سناریو را به نظر خود حساب شده پیش می‌برند. آنها نقشه دارند

**آشفته‌گی در هر زمینه ای از جمله در بُعد سیاست خارجی افزایش خواهد یافت و اینطور نیست که فکر کنیم مثلا باند هاشمی بین دو سر طیف (خامنه‌ای - خاتمی) آویزان مانده و نهایتا به یکی از طرفین جذب خواهد شد بلکه هر کدام در عمل، دولتی در درون دولت ولایت فقیه راه انداخته اند ضمن اینکه طیف خامنه‌ای با توجه به نوع ساختار حکومتی همیشه دست بالا را دارد.**

غیر قابل تنظیم در هر مورد، شاخص بارز سیاست خارجی آن است علیرغم چنین مشخصه برجسته ای سودجویان در پس چپاول و سود بادآورده اند. «گرنیش خاتمی تحولی قابل توجه است که امید بهبود مناسبات را تقویت می‌کند. امینوار است برای نزدیکی با دولت ایران پلی بوجود آمده باشد» و در جای دیگر کلیتون می‌گوید: «که امینوار است خاتمی پلی برای آشتی دو کشور ایجاد کرده باشد».<sup>۴</sup>

طرفی‌های خارجی از هسان اول ورود خمیسنی بدنبال ساختن و احیای پانهای ارتباطی متناسب بوده اند و حالا بعد از روی کار آمدن خاتمی، نگهبانان دو سر پل فعال شده اند تا اینکه ایتالیا در مسابقه جنگ تجاری بر همه نگهبانان پل بکمرک اتحادیه اروپا فائق آمد. «بدنبال قرارداد بیع متقابل شرکت انی از ایتالیا بهمراه یک شرکت فرانسوی با رژیم برای بهره برداری از میدان نفتی دورود، ایرانیان عقیده دارند که این تازه اول کار است و سهم شرکتهای نفتی

همین درهم ریختگی و اغتشاش در سیاست خارجی و غیره را نهایتا به طرفین فکری-سیاسی تبدیل کرده و در قالب جامعه مدنی و دموکراسی آنها را را معرفی نمایند اما تنظیم رابطه بویژه در سطح بین المللی با تناقضات غیر قابل جمع یک حاکمیت ارتجاعی پیش نخواهد رفت.

قبل از ورود خاتمی به صحنه ریاست جمهوری ولایت فقیه، دو جناح بنوعی حیات سیاسی خود را بویژه در بُعد سیاست خارجی می‌گذراندند و طرفی‌های خارجی هم گاهی با این یا آن طیف کنار می‌آمدند ولی حالا در هر موردی ۳ خط مشی آشفته و بهم ریخته دنبال میشود که آشفته‌گی درون رژیم را به اوج خود رسانده است. اکنون آهنگ ولایت فقیه با آهنگ طیفی که رفسنجانی درست کرده بود با آهنگ طیف جدید ولایت فقیه یعنی خاتمی تبدیل به صدای دلخراش و غیرقابل تحمل برای مردم درآمده و تا زمانی که ۳ طیف به رهبری خامنه‌ای، رفسنجانی و خاتمی البته همه با

امامت خامنه‌ای قادر به تسدوام حیات سیاسی خود هستند آشفته‌گی در هر زمینه ای از جمله در بُعد سیاست خارجی افزایش خواهد یافت و اینطور نیست که فکر کنیم مثلا باند هاشمی بین دو سر طیف (خامنه‌ای - خاتمی) آویزان مانده و نهایتا به یکی از طرفین جذب خواهد شد بلکه هر کدام در عمل، دولتی در درون دولت ولایت فقیه راه انداخته اند ضمن اینکه طیف خامنه‌ای با توجه به نوع ساختار حکومتی همیشه دست بالا را دارد. «در پاتیز گذشته زمانی که وزیران خارجه ایران و انگلیس طی بیانیه نه چندان مشترکی به طور رسمی تجدید روابط دیپلماتیک را اعلام نمودند هنوز روابط در سطح کاردار متوقف مانده است و چند رویداد بعدی نشان داد که برخلاف مواضع اعلام شده دیپلماسی دو کشور با موانع موجود چندان هم سهل العبور نیستند... وزیر خارجه این کشور همان پیش شرطهایی را مطرح کرد که منجر به رکود در روابط با امریکاتیها شده اند...»<sup>۶</sup> ولی بعد از چند ماه ظاهرا روابط، کمی سهل العبور شد و با اخبار رسانه‌ها در نیمه اول اردیبهشت نگرانی روزنامه رسالت برطرف شده و سطح رابطه از کارداری به گشایش سفارت ارتقا یافت ولی کانال عبور باز هم با موانع جدیدی از جمله ارتقای نیک براون کاردار فعلی انگلیس به سفیر آنکشور، در جنگ قدرت باندها هنوز هم مشکل آفرین به نظر می‌رسد.

اینکه تلاشی‌های خاتمی برای حفظ نظام در بُعد خارجی به ثمر برسد هیچ چشم انداز روشنی وجود ندارد کما اینکه طیف رقیب در سفر خاتمی به ایتالیا گفتند و نوشتند که امریکا از آستین ایتالیا سربرآورده و رقیبان دیگر هم گفتند که حرفهای شما مصرف داخلی دارد. «اینکه صاحبان این



## «از تاریخ بیاموزیم»

جوامع انسانی طسی روند تکاملی خود، فراز و نشیبهای مختلفی را از سر گذرانده اند. در این رهگذر، جریانهای شکل گرفته و رخدادهایی به وقوع پیوسته که دقت روی آنها می تواند تجارب گرانبایی به ارمغان آورد. بدون شک اشتراک عمل و انتلاف نیروها، آزادی و توسعه اجتماعی، بنیادی ترین نیازهای مقطع کنونی حیات اجتماعی ما را تشکیل می دهند. در راستای پاسخگویی به این نیازها می کوشیم در هر شماره با گزینش فرازی از تاریخ ایران یا جهان، مشعلی فرا راه تلاش عمومی و مشترکمان برافروزم.

گزینش مطالب از کتابهای مختلف در اینجا، نقطه از جنبه آموزش تاریخی آن مورد نظر بوده و به معنی تأیید همه آنها نیست.

## اشاره:

در این شماره سومین قسمت از کتاب «تاریخ قرن هیجدهم، انقلاب کبیر فرانسه و امپراطوری ناپلئون» از نظرتان می گذرد. این کتاب تالیف آلبرماله - ژول ایزاک و ترجمه رشید قاسمی است.

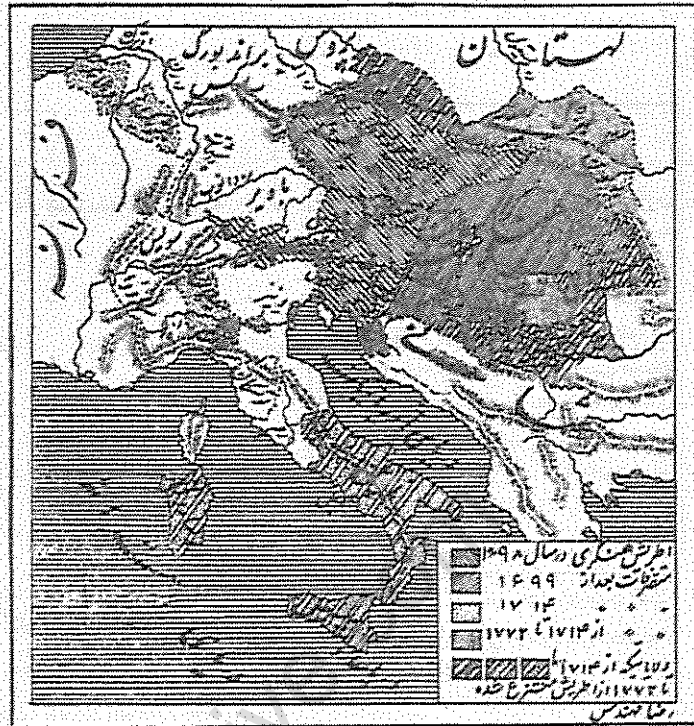
## دولت پروس در قرن هفدهم و قرن هیجدهم

دخول پروس در صف دول معظمه یکی از حوادثی است که مانند ورود روسیه در ردیف ملل اروپایی در تاریخ قرن هیجدهم نخستین درجه اهمیت را حایز است. پروس مملکتی نیست که مهندس طبیعت حدود و ثغور آن را معین کرده باشد بلکه نتیجه خیال و اندیشه یکی از خانواده های بزرگ است که بقوت عزم و نیروی لشکر جرار خویش آن اندیشه را از توه به فعل رسانیده و مملکت پروس را ایجاد کرده اند. روسای این خاندان که موسوم به هوهن زولرن (Hohenzollern) است مثل سلسله سلطین کاپه سین فرانسه در قرن وسطی هم خویش را مصروف به ترقی و توسعه ملک نمودند و هر یک از آنها که زمامدار امور شد کار سلف خود را تعقیب کرد و نقشه پیشینیان را اجرا نمود به قسمی که تمام روسای خاندان هوهن زولرن مقصد و منظور واحد داشتند و بلاانقطاع در وصول به آن می کوشیدند. این مقصد عبارت بود از توحید ایالات متفرقه که در تصرف آنان بود مثل دوک نشین کلسو (Cleves) و حوزه انتخابیه براندبورگ و دوک نشین پروس و غیره که در چهار گوشه مملکت وسیع آلمان از سواحل رود رن تا کنار شسط و سیتول و از کوهستان مرکزی اروپا تا ساحل دریای شمال و بحر بالتیک متفرق بودند. اقدامی که خانواده هوهن زولرن در توحید و مزج این ولایات پراکنده کردند در قرن هفدهم بدست فردریک گیوم منتخب کبیر شروع گردید (۱۶۴۰-۱۶۴۸) و در قرن هیجدهم فردریک گیوم اول ملقب به شاه سلحشور (۱۷۱۳-۱۷۴۰) و فردریک دوم (۱۷۴۰-۱۷۸۶) آن را تعقیب کردند لکن اتحاد و ارتباطی که در نظر داشتند بعمل نیامد و تا سنه ۱۸۶۶ صورت انجام نگرفت. این پادشاه اخیر که آلمان ها او را فردریک بیهمال لقب داده اند ولایت سیلزی را متصرف شد و پروس را به عظمت نایل کرده از رتبه دولت درجه دوم به درجه اولی رسانید. اسباب این ترقی سپاه بود که خاندان هوهن زولرن آن را «اصل و غایت هر چیز میدانستند» و وسیله این عظمت جنگ بود که «حرفه ملی قوم پروس محسوب می شود» [۱].

چون میخواست که پروس وسعت بیابد روز بروز در تقویت سپاه میکوشید و میگفت: «با قلم جهان گیری نتوان کرد، پادشاهان فتح ممالک و ضبط ممالک با ستاعت شمیر کنند.»

سکنه قلمرو فردریک گیوم به دو میلیون و نیم میرسید، عده قشون که در ۱۷۱۳ ۴۵۰۰۰ نفر بیشتر نبود بهمت این پادشاه در سنه ۱۷۴۰ به هشتاد و سه هزار بالغ شد در صورتیکه خانواده سلاطین اطیش با داشتن بیست و چهار میلیون رعیت صد هزار نفر سرباز نداشتند. و این اصل را وضع نمود که «جمیع افراد مملکت موظف بخدمت در نظام هستند» این فرمان در قرن هیجدهم مطلب تازه ای بود. اما امروز اساس تجهیز نظام ملی و تشکیلات ما محسوب میشود. لکن در عمل تمام اهل پروس مشمول نظام نمیشدند، اکثر اهالی بلاد و ازیاب حرف و صنایع را معاف کردند و تقریباً فقط از دهقانان سرباز میگرفتند.

بزرگترین و مشق که هزاران بار تکرار می شد فردریک گیوم سربازان خود را مثل آلات بیروح و متحرکین بلارده کرد تا بجدی که چندین هزار نفر هنگام مشق چنان با توافق و انتظام اعمال نظامی را اجرا میکردند که گویی نفس واحد هستند. در باب چابکی و چالاکي لشکریان و دقت آنان در حرکات و سکنات و پر کردن تفتنگ و تیراندازی مورخین راه مبالغه و اغراق پیموده اند، آنچه مسلم است پیش از آن زمان هیچ سپاهی بآن پایه از حسن انتظام نرسیده بود و پیشرفت پروس در جنگهای اواسط قرن هیجدهم بیشتر مبتنی بر این کارآمدگی و پختگی نظامیان بود و دول اروپا طرز تعلیم و تربیت لشکر پروس را در نظام خود تقلید کردند.



دولت اطیش در قرن پنجم

سامن و ملجا فراریان و مقصران ممالک همجوار قرار داد. از هلند و سایر نقاط آلمان و از فرانسه مردم بانجا روی نهادند.

### لشکر پروس

کار عمده فردریک گیوم ترقی لشکر بود و بهمین جهت او را شاه سلحشور لقب داده اند. از روزگار کودکی شوق سربازی در او پیدا شده بود و مثل پطیر کبیر که در قریه پراب راجنسکوی فوجی از کودکان را نظام خود ساخت فردریک گیوم هم دسته ای از اطفال را فراهم آورد چون به تخت شاهی نشست چنانکه دیدیم هیچ هوس بتجملات سلطنتی نداشت مگر یک هوس که در راه آن دوازده میلیون تالر (متجاوز از ۱۲۰ میلیون فرانک) بمصرف رسانید و آن عبارت بود از جمع آوردن فوجی از مردان قوی بنیه و درشت اندام که فوج قراولان و بمب اندازان او باشند. بعضی از این غولان را با صرف سیصد هزار فرانک بدست آورد.

### توحید ایالت پروس

فردریک گیوم برای توحید تشکیلات اداری مملکت خود بیست و سه سال با اهالی ایالات زد و خورد کرد (۱۶۶۰-۱۶۸۳). بقوت عزم ثابت عاقبت همه رامجسور بقبول تشکیلات واحد نمود و به قول خودش به ایالات فهمانید که «همه اعضاء پیکری واحد هستند» و حق وصول مالیاتهای درجه اول را از آنها سلب کرد.

### عمران (۱)

فردریک گیوم هم خویشرامصرف بهمران نواحی خالی السکنه کرد و بنحوی که امروز در مستعمرات افریقا یا در ممالک وسیعه امریکای شمالی و جنوبی مثل برزیل و آرژانتین و کانادا معمول است از خارجه مهاجرین بسیار جلب نمود و بوسیله اعطای امتیاز و تفویض اراضی و معافیت از مالیات و حتی مساعدت نقدی جمعی کثیر از خارجه بداخله وارد و ایالت براندیسورگ را

## پیشه سلطنت

فردریک دوم هم باندازه پدرش مقتصد و صرفه جو شد و حتی در اواخر عمر کار حرص او بدنانت و لشامت کشید. خزانه دولت را بمنزله تابوت العهد بنی اسرائیل محسوب میداشت که "لایسه المظهورن". خزانه شخصی خود را گنجی میدانست که هیچوقت نایستی دیناری از آن خرج شود مگر "محض دفاع مملکت و رفع آلام ملت". فردریک دوم هم مثل پدرش خود را خدمتگزار پادشاه ذهنی و خیالی پروس معرفی میکرد و میگفت "من اولین خادم رعیت خود هستم".

این شهریار بسیار کار میکرد، فصل تابستان ساعت سه بعد از نصف شب و فصل زمستان ساعت چهار برمیخاست و مراسلات چاباری را شخصا باز میکرد و میخواند و چهار نفر منشی را که در پرکاری مثل سیاهان آفریقا بودند برای صدور جواب خسته رسانده میکرد. چون هر چیز را خود رسیدگی مینمود و در هر کاری شخصا تصمیم میگرفت او را "وزیر واحد و وزیر عام" مملکت گفته اند. یکروز هم در مدت عمر از این پرکاری و کوشش خسته نشد، این طرز تمرکز امور در دست شخص واحد و فلج کردن سایر مراکز مهمات نتایج بسیار بد عاید مملکت پروس ساخت، تادستی قوی چون دست فردریک چرخ کارها را میگردانید همه چیز منظم بود، لکن بحض رفتن او چرخ از کار بازماند و فنرها گسیخته شد بطوری که بیست سال بعد از وفات فردریک دوم دولت پروس بیسک ضریب ناپلئون در محل ینا مضمحل گردید (۱۴ اکتبر ۱۸۰۶)

فردریک سعی بلیغ داشت که جنس مزروعات را خوب کند و تا ممکن است باراضی زراعتی بیفزاید، از این جهت

باطلاقیهای وسیعی را خشک کرد و قریب پانصد کیلومتر مربع بر اراضی قابل زرع افزود. صنایع را هم ترویج مینمود و بوسیله ازدیاد ثروت ملی عواید دولتی را هم تکثیر میبخشید. همچنین فردریک جسد وافی در تعلیم و تربیت ملت بخرچ میداد و این کار او در آن عهد کمتر نظیر داشت. مدارس بسیار باز کرد و اگر چه کاملاً عملی نشد تعلیمات را اجباری نمود.

اگر بدقت در اعمال این پادشاه حکیم بنگریم میبینیم که اصلاح اساسی نکرده و تغییری عمیق در اوضاع اجتماعی سابق نداده است. ترتیب طبقات ممتاز و اصناف مختلفه را کسافی السابق محفوظ داشت بقسمی که هیچکس از طبقه خود نمیتوانست تجاوز کند. رعیت طبقه (بورژوا) کسبه و توانگران شهری نمیرسید و آنان هم برتبه نجبا نایل نمیشدند. در واقع پروس مثل قرون وسطی بحال خان خانی باقی ماند و مهمترین طبقات اهالی آن نجبا یا یونکرس بودند و اراضی و املاک پشاه و دولت و این طبقه تعلق داشت.

## دولت اطریش در قرن

### هیجدهم

در قرن هیجدهم عادت بر آن جاری شد که مجموع ایالات و ممالک متعلقه به خانواده هابسبورگ را دولت اطریش بگویند در صورتیکه اطریش یکی از جمله ممالک کشیره ای بود که این خاندان بر آن فرمانروایی داشتند. دولت اطریش در آغاز قرن هیجدهم هنگام جنگ وارث تاج و تخت اسپانیا وسعت فوق العاده یافت لکن در اواسط همین قرن بنا بر مناقشاتی که راجع بوراثت سلطنت اطریش فیما بین دول معظمه برخواست این مملکت میدان تاخت و تاز دول و مرکز سیاست اروپا گردید. در سنوآت

(۱۷۴۱-۱۷۴۸) پروس و فرانسه و اسپانیا و امراء آلمان برای اضمحلال اطریش متحد شدند و اگر نبات قدم و نیروی اراده ماری ترز نبود اطریش بکلی تجزیه میشد. اما فقط ایالت سیلزی را از دست داد و در جنگ هفت ساله کوششهایی که برای استرداد آن کرد مفید واقع نگردید (۱۷۵۶-۱۷۶۳) در سال ۱۷۷۲ دولت اطریش قسمتی از مملکت لهستان را ضمیمه قلمرو خویش ساخته فقدان ایالت سیلزی را جبران نمود.

پس از ختم آن جنگهای طولانی در نظر از پادشاهان اطریش یکی ملکه ماری ترز و دیگر ژوزف دوم (۱۷۸۰-۱۷۹۰) دست بآبادی و اصلاح مملکت خویش نهادند و همانطور که خانواده هوهن زولرن در پروس موفق باصلاحاتی شده بودند اینان نیز در کارهای خویش کامیاب گشتند. مقصود عمده سلاطین اطریش هم مثل پادشاهان پروس ایجاد تشکیلات واحد و مزج ایالات مختلف و متشتت بیک مملکت متحد بود و این خیال را صدوینجاه سال قبل هنگام جنگهای سی ساله فردیناند دوم نیز در مخیله ظهور میداد.

### پاورقی:

بهار ایران:

در کتاب عنوان اصلی این قسمت «استعمار» است که به معنی طلب عمران و آبادی است. از آنجا که امروزه معنای مصطلح این لغت متفاوت از معنای لغوی آنست، از واژه

### در مورد مطالب ارسالی و نامه ها

- ۱- حتی الامکان همراه با ترجمه ها، نسخه‌ای از متن اصلی ارسال نمایید.
- ۲- مشخص نمایید مطلب و یا نامه‌تان با چه نامی در نشریه درج شود.

# پولکهای طلایی

(قسمت آخر)

## نوشته ؛ شکوری ، از تهران

نکردم. آخر مهناز همیشه دوست دارد من را دست بیندازد. اما فردای آن روز وقتی که آشغالها را در کوچه دیدم، همه چیز را باور کردم. مهناز راست می گفت آقای نعمتی رفته بود. بدون خداحافظی رفته بود. من دیگر پاک تنها شدم بودم.

از آن روز آشغالهای کوچه رویهم انبار شد و هیچ کس در فکر جمع کردن آنها نبود. کوچه هم مثل من تنها مانده بود. کوچه پر از آشغال، مدرسه با معلم نامهربان و خانه بی پشت بام.

یک صبح سرد زمستان بود که فکرهایم را کردم. من باید می رفتم. این حرف آقای نعمتی هنوز یادم مانده بود؛ یک روز ریل راه

داستان کوتاهی که در زیر  
می خوانید بوسیله یکی از هموطنان  
در رابطه با مهاجرین و تبعیدیهای  
که در اثر فشارهای رژیم به خارج  
گریخته اند نوشته شده و توسط یکی  
از همکاران نشریه، برای چاپ در  
بهار ایران ارسال گردیده است.

...آقای نعمتی گفت؛ نه خانم اینطور نیست. مادرم کسی با او حرف زد و به من گفت که بروم پایین. وقتی رفتم پایین و بعد از اینکه یک سیلی محکم به گوشم خواباند، گفت: دیگر نبینم بروی بالا و با غریبه ها حرف بزنی، به مادرم گفتم آقای نعمتی غریبه نیست، من او را می شناسم. همسایه دیوار به دیوارمان است. هر دو تایمان ستاره ها را دوست داریم. اینها را که گفتم مادرم با یک لنگه دمپایی افتاد به جانم و تا می خوردم، مرا زد و وقتی بابا آمد، چغلی مرا به او کرد. اما بابا مرا نزد و فقط گفت: حرف مبادرت را گوش کن. تو دیگر بزرگ شده ای.

من هنوز میدانم بزرگ هستم یا نه. بعضی وقتها مادرم به من می گوید: فسقلی نیم وجبی و بعضی وقتها هم می گوید: دختر خرس گنده. اگر آقای نعمتی را دیدم باید از او بپرسم که یک دختر ده ساله خرس گنده است یا فسقلی نیم وجبی؟

اما از آن شب که آن کتک زیاد را از مادرم خوردم دیگر نتوانستم بروم بالای بام. آخر مادرم در پشیم بام را قفل کرده بود. برای همین هم تصمیم گرفتم که یک صبح سحر بروم کوچه و آقای نعمتی را ببینم. سه شب تمام سعی کردم نخوابم شاید سحر بتوانم به کوچه بروم و آقای نعمتی را ببینم. اما هر سه شب نزدیک سحر که میشد من خوابم می برد. و روز بعد تمام مدت در مدرسه چرت می زدم. بعضی وقتها، بعضی چیزها، خوب یادم می ماند. روز سوم معلممان به خاطر اینکه سرکلاس خوابیده بودم من را کتک زد و بعد قاطی شاگرد تنبها فرستاد پایین، تا خانم مدیر تنبیه امان کند. آن روز من خیلی گریه کردم. ظهر هم که به خانه برگشتم مهناز گفت آقای نعمتی اسبابهایش را جمع کرده است و رفته، ولی من باور

آهن را می گیرم و می روم. من هم همین کار را می کردم. کسی چه می دانست، شاید آقای نعمتی را می دیدم. چیزی در دل می گفت که او را خواهم دید. برای رفتن باید سه هفته تمام پول توجیبی ام را جمع می کردم تا بتوانم دو تا قمقمه آب و دو تا نان سنگک بخرم. باید فکر همه چیز را می کردم.

سه هفته هرچند دیر، به پایان رسید. آن روز هوا هنوز سرد بود. من به جای اینکه به مدرسه بروم سوار اتوبوس شدم و تا آخر خط رفتم. تا ریلهای راه آهن راه زیادی نبود. بچه های همسن خودم و کوچکتر در کنار ریل بازی می کردند دلم می خواست نانهای سنگک و قمقمه ها را یک گوشه بگذارم و بروم با آنها بازی کنم. برای این کار به اندازه کافی وقت داشتم. نمی دانم چقدر با آنها بازی می کردم.

بقیه در داخل جلد

بقیه "گزیده هایی از..." از صفحه ۵ گذشته میلادی حدود ۵۰۰ میلیون دلار نسبت به سال سابق کاهش یافت و به ۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار رسید. این کاهش حاصل کم شدن دریافتی های ارزی و ضعف باز هم بیشتر توان وارداتی ایران بود. به نظر می رسد آلمان بیش از سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا از کم شدن واردات ایران در سال ۹۸ زیان دیده است. با وجود این کاهش، آلمان جایگاه قدیمی خود را در بازرگانی خارجی ایران حفظ کرد و با صدور ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار کالا به جمهوری اسلامی همچنان بزرگترین تامین کننده نیازهای بازار ایران بود. در زمینه صدور کالا از اتحادیه اروپا به ایران، ایتالیا، فرانسه و انگلیس در زمینه های بعدی قرار می گیرند. در بین مشتریان اروپایی ایران، مقام نخست همچنان از آن ایتالیاست و فرانسه، یونان، آلمان و اسپانیا در ردیف های بعدی قرار می گیرند.

## کارگری - دانشجویی

### رسانه ها ۲۰ اردیبهشت؛

به گزارش رسانه های خارجی و شماری از روزنامه های داخلی در نتیجه زدوخوردهای ۱۹ اردیبهشت در دانشگاه تهران، تعدادی دستگیر و عده ای نیز بشدت زخمی و به بیمارستانها انتقال یافتند. این روزنامه ها شدت درگیری را بسیار زیاد اعلام کردند. درگیریها چند ساعت طول کشید دانشجویان شعار میدادند؛ مرگ بر استبداد، مرگ بر انحصار، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، مرگ بر طالبان و... این مراسم با خواندن سرود ای ایران به پایان رسید. روزنامه رسالت ۲۰ اردیبهشت به نقل از دانشجویان نوشت؛ اگر به خواسته های

ما توجه نشود حرکت های اعتراضی را تشدید خواهیم کرد.

### رادیو اسرائیل ۲۷ اردیبهشت؛

دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان به اعتراض های خود به حادثه خشونت بار چهارشنبه گذشته در این دانشگاه ادامه می دهند، به این مناسبت شامگاه روز گذشته دانشجویان زاهدان در یکی از دانشکده های خود به تظاهرات پرداختند. محافل دانشجویی گفتند؛ در دانشگاه اهواز نیز زدوخورد شدیدی روی داده که طی آن دست کم ۳ دخترکه دو نفر آنها خواهر هستند زخمی شده و به بیمارستان گلستان انتقال یافتند. روزنامه های ایران این درگیریها را وخیم و شدید لقب دادند... در تهران نامه سرگشاده ای به امضای آقای محمد ملکی رئیس اسبق دانشگاه تهران انتشار یافت که در آن از کشتار و شکنجه های وحشتناک در زندانهای سیاسی ایران طی ۲۰ سال عمر حکومت اسلامی سخن رفته است. آقای ملکی در نامه خود خواهان تشکیل هیئت دربرگیرنده حقوقدانان بی طرف و خبرنگاران برای رسیدگی به جنایات اتفاق افتاده در زندانهای ایران در ۲۰ سال اخیر شد...

### رادیو اسرائیل سوم خرداد؛

( رسانه های رژیم ) امروز گزارشهای واقعه دانشجویی دیروز در پارک لاله تهران را که به درگیریهای نسبتاً شدید میان دانشجویان آزادیخواه با مهاجمین خشونت طلب انجامید سانسور و یا آشکارا تحریف کردند. رادیو و تلویزیون و دیگر رسانه های تحت اختیار جناح راست این رویدادها را کاملاً سانسور کردند و روزنامه های موسوم به طرفدار جنبش دوم خرداد نیز عمداً از ذکر واقعیات خودداری کرده و جریانها را بصورت تحریف شده منعکس ساختند...

روزنامه همشهری نیز نوشت؛ شماری از دانشجویان مجروح بدلیل صدمات وارده به بیمارستانها انتقال یافتند و پرده گوش یکی از دانشجویان بر اثر ضربه شدید باتوم مهاجمین پاره شد. بنابراین گزارش، مردم عادی در اطراف محل بسا شعارها و سرودخوانیهای دانشجویان همدلی نشان می دادند...

### رادیو اسرائیل سوم خرداد؛

در یک انفجار شدید در خطوط لوله انتقال گاز در استان خوزستان، ۷۰ نفر از کارکنان وزارت نفت سوختند و زخمی شدند که سوختگی ۴۰ نفر سطحی اعلام شد و ۳۰ نفر بقیه به بیمارستان صنعت نفت در تهران انتقال یافتند. این حادثه عصر دیروز در اطراف اهواز روی داد. این عده، کارشناسان و کارگرانی بودند که برای ترمیم انفجار قبلی این لوله به محل اعزام شده بودند...

## ورزشی

### رادیو اسرائیل ۲ اردیبهشت؛

یک کشتی گیر ایرانی که همراه با تیم ملی کشتی آزاد ایران به ایتالیا رفته بود احتمالاً از این کشور یا یک دولت دیگر اروپایی تقاضای پناهندگی کرده است. این کشتی گیر فرهاد سهرابی نام دارد که در دسته سنگین وزن ۱۳۰ کیلوگرم کشتی می گرفت. آقای سهرابی برای مسابقات بین المللی کشتی به ایتالیا اعزام شده و مقام چهارم این وزن را کسب کرده بود به گزارش روزنامه عصرآزادگان چاپ تهران آقای سهرابی در روز بازگشت به ایران قبل از سوار شدن به هواپیما ساک دستی خود را به بهانه رفتن به توالت برداشت و از فرودگاه خارج شد.

## رادیو بی بی سی ۱۰ اردیبهشت؛

ژاپن قهرمان باشگاههای آسیا شده است. این تیم امروز در ورزشگاه آزادی تهران توانست از سد باشگاه استقلال تهران بگذرد... امروز استقلال تهران قهرمانی جام باشگاههای آسیا را از دست داد و با نتیجه ۲ بر ۱ شکست را در مقابل جوبیلوایواتای ژاپن پذیرا شد. با وجود بیش از ۱۰۰ هزار تماشاچی هوادار ایران در استادیوم آزادی بازیکنان استقلال شانسهای بیشتری را در کاشتن گل در داخل دروازه ایواتا از دست دادند و بازی پُرده را تحویل ژاپنی ها دادند. استقلال که تا کنون در بار قهرمان باشگاههای آسیا شده است در مرحله نیمه نهایی روز چهارشنبه با نتیجه ۴ بر ۳ دالیان چین را شکست داده بود و در آن بازی هم تا حدودی متزلزل بود...

## حقوق بشر و تروریسم

### رسانه ها ۱۳ اردیبهشت؛

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در پنجاه و پنجمین اجلاس خود در ژنو، جمهوری اسلامی ایران را محکوم کرد. قطعنامه مربوط به ایران از سوی ۳۶ کشور از جمله کشورهای عضو اتحادیه اروپا ارائه شده بود. در قطعنامه از جمله گفته شده که گرچه در پیشبرد حقوق انسانی در ایران پیشرفت محدودی حاصل شده ولی همچنان اعمالی چون اعدام، سنگسار و قطع یک عضو از بدن مجرمین، تبعیض بی رقیه علیه اقلیتهای مذهبی، اجازه ندادن به نماینده ویژه کمیسیون برای بازدید از ایران، عدم برخورداری زنان از حقوق کامل و برابر انسانیشان و... محکوم شده و همچنین با اشاره به موج قتلهای سیاسی ماههای اخیر خواستار محاکمه و اجرای عدالت در قبال عاملان آن شده است. از میان ۵۳ کشور عضو کمیسیون، ۲۳ کشور حکومت ایران را محکوم، ۱۶ کشور رأی مخالف و ۱۴ کشور رأی ممتنع دادند.

## رادیو رژیم ۱۴ اردیبهشت؛

... در سالهای اخیر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در حالی برای کشوری نظیر ایران مأموران ویژه تحقیق و تفحص وضعیت حقوق بشر منصوب کرده است که تا کنون هیچ فردی را برای بررسی حقوق بشر و وضعیت اقلیتهای مهاجر دینی و قومی در کشورهای صنعتی (تعیین نکرده است)... به اعتقاد کارشناسان برای برابری جلوگیری از آلودگی بیشتر موضوع حقوق بشر به اغراض سیاسی، جامعه بین المللی می بایست خواست کشورهای در حال توسعه مبنی بر پیشبرد حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوق سیاسی و مدنی و حق توسعه را در دستور خود قرار داده از یکسو نگرانی به مفهوم حقوق بشر ممانعت به عمل آورند.

## رادیو اسرائیل ۱۵ اردیبهشت؛

... سخنگوی وزارتخارجہ تهران آقای حمیدرضا آصفی گفت؛ قطعنامه اتحادیه اروپا در وضعیت حقوق بشر درباره ایران شاهد دیگری بر سیاسی بسودن روزه بررسی حقوق بشر کشورهاست و افزود؛ این قطعنامه با اهداف سیاسی از پیش تعیین شده منعکس کننده واقعیات جامعه پویای ایران اسلامی نبوده و همچون سالهای قبل صرفا در پی طرح ادعاهای بی اساس علیه جمهوری اسلامیست...

## رادیو امریکا ۱۰ اردیبهشت؛

به رغم اینکه جمهوری اسلامی ایران ظاهرا در مسیر آزادیهای بیشتر گام برمیدارد... نام این کشور همچنان در فهرست کشورهای حامی تروریسم وزارت خلازجه امریکا قرار دارد... کشورهایی که حامی تروریسم تلقی میشوند مشمول تحریمهای اقتصادی امریکا میشوند. گرچه دولت کلینتون این هفته تصمیم گرفت اجازه دهد مواد غذایی و دارویی از امریکا به ایران ... صادر شود.

## رادیو رژیم ۱۱ اردیبهشت؛

(سخنگوی وزارتخارجہ نظر) وزارتخارجہ امریکا را در درج نام جمهوری اسلامی ایران در

فهرست کشورهای حامی تروریسم محکوم کرد و آن را نشانی دیگری از سیاستهای دوگانه امریکا دانست. آقای آصفی گفت؛ موجب تأسف است که دولت امریکاکه خود از حامیان اصلی گروههای تروریستی و تروریسم دولتی و نمونه بارز آن رژیم صهیونیستی است چنین اتهامات بی پایه و اساسی را به جمهوری اسلامی ایران نسبت می دهد...

## علمی - فرهنگی

### بی بی سی ۱۰ اردیبهشت؛

(یک دانشجوی تایوانی ربررسی را) وارد صدها هزار دستگاه کامپیوتری کرده و این ویروس که در سراسر جهان پراکنده شده باعث شد که میلیونها دلار خسارت به شرکتهای مختلف وارد شود. پلیس میگوید؛ این شخص که چنگ-این-هاو نام دارد برای خنثی کردن اثر این ویروس اعلام همکاری کرده است. این ویروس در ۲۶ آوریل فعال شد و به همین دلیل چرنوبیل نامگذاری شده بود که مصادف بود با وقوع فاجعه هسته ای چرنوبیل در اوکراین. کارشناسان کامپیوتری می گویند این ویروس از بسیاری از ویروسهای کامپیوتری دیگر خطرناکتر و ویرانگرتر است و نه تنها اطلاعات کامپیوتری را بطور کامل پاک می کند بلکه باعث میشود کامپیوتر آلوده شده بطور کامل از کار بیفتد...

### رادیو امریکا ۱۲۹ اردیبهشت؛

آیت الله علی خامنه ای رهبر مذهبی رژیم جمهوری اسلامی، طی هشدار به طرفداران آزادی بیشتر، مخالفت شدید خود را با آزاد شدن فضای سیاسی و فرهنگی در ایران ابراز داشتند. بگزارش خبرگزاری ایران آقای خامنه ای از ممنوع ساختن آنتنهای بشقابی برای گرفتن برنامه های تلویزیونی ماهواره ها و نیز آنچه را که وی آثار هنری غریبه میخواند دفاع کرده و می گوید که استفاده از آنتنهای ماهواره ای نباید آزاد شود. آقای خامنه ای گفت؛ دولت نباید بگذارد نسل جوان ایران از حیث فرهنگ و هنر در معرض خطرات زیانبار قرار گیرد...

## مخزل تارویک

می پراکند چون شب، با فسانه و افسون  
 جادوی شکفت، خود، در نسیم ظلمت کون  
 شمعکی بر افروزم، در میان تاریکی  
 می نیم پس آنکه پای، از سرای خود بیرون  
 روبه هر گذرگاهی، خسته می کشم پائی  
 دیده را نگردانم، همچو دیده ی کردون  
 تا مگر به شمر آرم، این تپانه را نصیر  
 بر حریر گرم اشک، یا به برده های خون  
 بنگرید شب را، هن، در سرشک من، خلقان!  
 با هیگلتن تاریک، سایه هانت نامورون  
 اوفتاده سُسست و مَسست، چون جنازه ای بیجان  
 یا چو بیکری سی خوش، از حرارت اقیون!  
 هر کرانه اشن کریند، عابران بی معبر  
 شهرهای بی شادی، خانه های نامسکون  
 بنگرید شب را، هن، در سرشک من، خلقان  
 فارغ از کمن و وهم، یا فریب و چند و چون  
 می ورد زشش سوش، در نسیم تلخ خوب  
 بوی لیشه ی فرعون، سوی لیشه ی ارغون  
 ناکهن و ناهنگام! شمع من فرو می رد  
 نامن فروغ خوش، در کشد زهر کانون  
 بیندا و چو در بازار، حلقه گنشته بر هر دار  
 تاب طره ی لیلی، بر کلوک مجنون  
 اینک اندرین ظلمت، مانده ام من و این شب  
 با دلی چنن دورخ، از ستراره ها مستخون  
 خیره بر یکی میدن، کاندن آن بیم غلطند  
 رنج های بی باین، غصه های روزافزون  
 نهره از جگرگام، بر شود چو رود درد  
 ای خدای من تکی، زندگی بود ایدون  
 تا نه کی به رقص آیند، کژدمانه در قیاب  
 شیخ و شحنه مستانه بر حریر آذریون  
 با جنازه ی شمعی، مرده باز می کردم  
 رو به نغمه ای تازی، در نسیم پر از افسون  
 چشتم سسته بر آفاق، تا مگر بجوم، آه  
 در پس حریر اشک، آن سحرکه میهون

اسماعیل وفا یغمایی

## زیبایی

زیبائی همسایه ی زندگی ست  
 و زشتی  
 سبایه ی مرگ  
 آنکه نمی جنگند  
 زندگی را باور ندارند  
 آنکه نمی جنگند  
 زیبائی را باور ندارند  
 آن،  
 یا خود، زشتی مرگ را خانه اند  
 و یا مرگی زشت را همخانه!  
 اگر،  
 تو  
 زندگی را باور داشته باشی  
 و زیبائی را  
 تردید ندارم،  
 که روزی ترا در میدان باز خواهیم یافت  
 و آنروز، می دانم  
 بخاطر زندگی  
 «یعنی زیبائی»  
 مرگ را حتی،  
 به آسانی جرعه ای آب خواهی نوشید  
 زیرا  
 آنکه زندگی را زیبا می طلبند  
 بخاطر آن  
 می جنگند  
 و حتی  
 می میرند.

اسماعیل وفا یغمایی

# کمک به فرزندان

## «افسانه پروین»

به فردی آزاده که دارای قدرت تفکر و اتکا، به نفس، قادر به درک و حل مشکلات زندگی است، مبدل گردد.

البته لازم است بر این نکته تاکید شود که توجه به جنبه های فیزیکی رشد بچه ها نیز حائز اهمیت است. پدر و مادر باید مراقب باشند که بچه ها اغلب وقت خود را به نشستن در مقابل تلویزیون و یا سایر سرگرمی های نشسته سپری نمایند و بیشتر به تمریناتی بپردازند که برای حفظ سلامتی آنها موثر است. مثل شنا، دوچرخه سواری، پیاده روی و یا سایر ورزش های معمول در جامعه. همچنین باید فعالیت های فیزیکی به نحوی برنامه ریزی شده باشد که به صورت عادت روزانه درآمده و بچه خود را موظف به انجام آن بدانند.

روابط گرم خانوادگی و تاثیر عاطفی آن بر بچه ها امری قابل توصیف است. بچه ای که صبح با یک بدرقه گرم پدر و مادر خانه را ترک کرده باشد، مسلماً نحوه یادگیری او و برخورد او با همکلاسی هایش به نحو بارزی با بچه ای که با ناراحتی و فشار عصبی وارد مدرسه و کلاس شده باشد، متفاوت خواهد بود، و چه بسا همین تاثیرات در بنیان شخصیت او همچنان باقی بماند و مانع از آن شود که در آینده نقش خود را به عنوان پدر یا مادر خوب ایفا نماید.

خانواده ای که شاد و امیدوار باشد می تواند روحیه شادی و امید را در همه جوانب زندگی افراد خود گسترش دهد. در چنین فضایی افراد خانواده رفتاری احترام آمیز نسبت به یکدیگر خواهند داشت و در آن واقعیت های اساسی زندگی را بهتر می توان به کودکان آموخت. پدر و مادر باید همیشه موقعیت فرزند خود را درک کرده و او را بفهمند تا از این طریق با دست یابی به عمق خواسته های او، در ساختن فرمایش مدد کار او باشند.

مادر موظف هستند هم نقش پدر و هم نقش مادر را داشته باشند.

والدین در حلقه اول نقش حمایت، حفظ و نگهداری بچه و تامين زندگي، ايمنى و حمايت از زمينه هاى رشد فزيكى او را به عهده دارند و سپس با رشد روز افزون فرد و شناخت و آگاهي او نسبت به پيرامونش، وظيفه پدر و مادر نيز گسترده تر گرديده و در مراحل مختلف زندگي به راهنمايي و هدايت او مى پردازند. والدین در خلال زندگي و برخورد ها، مهارت های مختلف را به فرزند خود مى آموزند و او را برای زندگي فردا آماده مى سازند. همچنین آنها در زمينه انتقال آداب و رسوم اجتماع خود و سنن دیرین و تجاری که خود از پدرانشان به ارث برده اند، به فرزندان خود کوشا هستند. تا از این طریق نیز به حفظ ریشه های فرهنگی خود ادامه دهند. و چه بسا آنچه که در بین نسل های گذشته متداول بوده، سینه به سینه انتقال پیدا کرده و تا نسل های بعد نیز ادامه یابد.

از مهمترین وظایف پدر و مادر می توان به عنوان هدایت کننده نسل فردا نام برد. زیرا هدایت نرد به سوی فردایی روشن و هدایت او در جهت ایجاد سبک زندگی خوب و راهنمایی او تا آنجایی که بتواند خود به استقلال برسد، از جمله به عهده آنهاست. در حقیقت می توان گفت که باید از یک انسان وابسته و ناسوان، فردی مستقل و لایق بوجود آورد، و با ایجاد تغییرات مثبت در بچه او را در جهت مطلوب و هماهنگ با رشد فیزیکی و عقلانی اش رهنمون شد. تا

اصولاً هر فرد تجارب اولیه اش را از پدر و مادرش می گیرد و به تدریج آن را توسعه می دهد و در خلال زندگی از آن بهره می گیرد. انسان زمان طفولیت را در وابستگی کامل به پدر و مادر به سر می برد و والدین نقش حامی، پشتیبان و راهنمای او را بازی می کنند. که این وابستگی گسست ناپذیر، تا زمان بلوغ و استقلال و رشد فیزیکی و عقلانی همچنان پایه تحکیم و اساس روابط فرد با والدینش می باشد.

فرهنگ های مختلف هرکدام تصوراتی متفاوت از مفهوم خوب و بد برای خود تصویر می نمایند. منجمله مفهوم پسر خوب و یا مادر خوب، که نقش آنها نیز می تواند با توجه به معیار های موجود در آن جامعه تعریف و ارزیابی شود و چه بسا مورد تعمق قرار گیرد. تفاوت بین یک پسر خوب و یک مادر خوب بسیار زیاد و چشمگیر بوده و بطور کلی دارای جنبه های کاملاً متمایز از یکدیگر است، چه در نحوه برخورد با بچه و چه به لحاظ انجام وظایف محوله به آنها. آنچه که ما در باره مادر خوب می اندیشیم دارای تفاوت فوق العاده اساسی است با آنچه که در باره پسر خوب درک می کنیم. این تفاوت ها را مثلاً می توان در روابط خانواده های متعددی که تنها شامل یکی از والدین یعنی یا پدر و یا مادر میگردد، به خوبی مشاهده نمود. در این خانواده ها که محصول مشکلات جوامع کنونی هستند، سرپرستی بچه ها به عهده یکی از والدین سپرده شده و تنها پدر و یا



## چند نکته و چند گزارش از ایران

### ﴿ ی - خبری ﴾

گیرند و پس از کتک های مفصل او را در صندوق عقب ماشین جای می دهند یکساعت می گذرد انگار هنوز عقده خالی نشده که از صندوق عقب بیرون آورده دوباره کتک می زنند و مجددا در صندوق عقب... و می برند، یکشنبه به پرواز نمی رسد، دوشنبه با رفیقہ آزاد می شود و منتظر دادگاه می ماند این سناریو تا صبح ادامه می یابد. فحش، کتک، تهدید و جلب.

صبح ساعت ۵ تونلی از نیروی انتظامی درست می کنند تا در خروجی یکی یکی و اسیران آزاد می شوند. باید دنبال دوربین ها رفت، برای آزاد کردن پسر رفت، جواب گوی فیلمها بود. وثیقه پشت رفیقہ، رشوه پشت رشوه و بعد، اختلاف بین عروس و داماد و... شبی که قرار بود خاطره انگیزترین شبها شود از خاطرها محو شد. «ازدواج عروس و داماد به هم خورد و هرگز با هم ازدواج نکردند».

— حوالی میدان رسالت است وارد خیابان عبور ممنوع می شوم، جلوتر مامور راهنمایی و رانندگی ایستاده متوقف ام می کند:  
— ورود ممنوع آمدی. - بله جناب. - گواهینامه همراه نزاری؟ سبله جناب. - کارت ماشین همراه نیست؟ - بله جناب. - بیمه همراه نیست؟ - بله جناب. - ۵ هزار تومان جریمه ات می شود. - بله جناب. - چقدر بنویسم؟ - این پانصد تومان را بگیر و هیچی ننویس. جناب می گیرد. میرود و می روم.

— خیابان قائم مقام فراهانی است. هنوز دویست قدم از تخت طاروس به داخل این خیابان نرفته ام که مامور راهنمایی و رانندگی جلویم را می گیرد. داخل طرح ترافیک ام، - جناب سروان همین جا می خواستم پارک کنم. - ولی باید جریمه بشی. «چانه می زنی» - خوب برو «چنین گفت جناب سروان، چنین گفتم من» - چه ماشینی بی خیری «چنین گفت جناب سروان» و من دویست تومان به او دادم تا ثابت کنم ماشینم بی خیر نیست.

— خیابان تخت جمشید مامور راهنمایی و رانندگی با موتور سیکلت می آید علامت می دهد می ایستم. - بله جناب؟  
— ماشین ات درد می کند. - تازه کاربرات اش را سرویس کرده ام. -

ولی درد می کند باید بریم پارکینگ. «معنی اش این است که اتومبیل باید در پارکینگ بماند و پس از تعمیر و گرفتن معاينه بتوانی آنرا تحویل بگیری.» گواهینامه ام را می گیرد. - چه کاره ای؟ -... ام. - کجا کار می کنی؟ «پایین تر حرف اش را می فهمم پول را نشان اش می دهم» جناب سروان می گوید - پشت سرم بیا. بیست،  
تقیه در داخل جلد

در مورد گزارشهایی که در زیر می آید ذکر دو نکته ضروری می نماید:

۱ - گزارشها مربوط به افراد مختلف است که همه با ضمیر اول شخص مقرر بیان می گردد.  
۲ - اینها تماما کزیده ای از روال جاری در جامعه ایران است و اینطور نیست که بگوییم این مأمور اینکار را کرده چه ربطی به سایرین دارد.

### مراسم عروسی؛

مراسم عروسی (اواخر سال ۷۷) در باغ اجاره ای برگزار می شود. میهمانان آمده اند و هر یک به نوعی درصددند تا گرمی بخش مجلس باشند. مردها عموما کراوات زده اند و زن ها بدون مانتو و روسری هستند. عروس و داماد و خانواده آنها امیدوارند خاطره انگیزترین شب زندگی شان را داشته باشند، فارغ از اینکه کفتارهایی بیرون از مجلس شان در حال برنامه ریزی برای این شب خاطره انگیزند و صدای زوزه آنها (این گارگند چاله دهان ها) تا چند دقیقه دیگر خاطره ای در ذهن باقی نخواهد نهاد. و اتفاق می افتد! «نیروی انتظامی می آید»، صدا در محفل پیچید. هرکس به گوشه ای و بدنمال مانتو و روسری دروید و تا خودمان را جمع و جور کنیم محاصره شدیم. حاج آقای نیروی انتظامی آمد. صاحب باغ فرار کرد. گارسون ها به گوشه ای خزیدند زنها به خورد لرزیدند و مردها نیز. و همه «دندان خشم بر جگر خسته» نهادند و کودکان، آشنا با تفنگ، آنرا بخوبی شناخته اند و می دانند که نباید جیک اشان دربیاید.

حاج آقا جلو می آید، تا کنار عروس و داماد و تراژدی آغاز می شود. داماد را زیر کتک می گیرد و بی غیرت، بی غیرت گویان به هر جا که می رسد لگد و مشت می کوبد. دوربین های فیلمبرداری و عکس برداری را می گیرند و تهدید می کنند؛ عکس ها را ظاهر خواهیم کرد و فیلم ها را نگاه می کنیم تا ببینیم چه کسی رقصیده و چه کسی کوتاه پرشیده و بعد همه را شلاق خواهیم زد.

وساطت ریش سفیدها به جایی نمی رسد. هیچ کس حق بیرون رفتن ندارد. در این میان پسر است که برای روز یکشنبه (امشب جمعه است) بلیط خارج از کشور دارد. پدر و مادرش پیشنهاد می کنند که پنهانی از دیوار بیرون برود و او اینکار را می کند، کلیدش می افتد. وقتی برمی گردد آن را بردارد برادران! نیروی انتظامی می بینند. زیر باد کتک می

بقیه "پل ارتباطی...". از صفحه ۱۴ نظریه بگذارند که خاستی طرحهای خود را در عرصه بین المللی پیش ببرد بستگی به تحولات آینده در خود کشور دارد. «<sup>۷</sup> خیلی وقتها پرخاشگریهای باندی برای مصرف داخلی ستون پلهای ارتباطی را می لرزاند و ترک می اندازد مثلا ورود هیئت

مبارزه با تروریسم، دیکتاتوری و... می کند ولی هرگز بطور مرموزانه و شیاذانه به مصداق عینی آن در داخل نپرداخته و در واقع روضه ملایسی در کتابخانه ملی را به عرصه سیاست در داخل و خارج کشانده است. «پس ضرورت یافتن راهی برای ایجاد دموکراسی در سراسر جهان و انکسار تمامی

### سستی ستونهای پل ارتباطی در بُعد سیاست خارجی با فروریختگی مشروعیت عمود خیمه نظام در داخل و نفرت همگانی، زمینه بنای پلهای وطن فروشانه را در معرض انفجار قرار می دهد و ملت ایران به بهای رنج و خون بیست ساله و مبارزات مستمرش، آزادی، عدالت و استقلال را سنگ بنای هر پلی قرار خواهد داد.

امریکایی در سال ۷۷ به تهران تحت عنوان توریست و تیراندازی و جوارو جنجال در رابطه با آنها نمونه ای از این آشفتگی است که جایگاه مصرف داخلی و خارجی را مخلوط و ناموزون کرده است. «تنها چیزی را که در موضعگیری جمهوری اسلامی ایران نمی بینیم یک موضعگیری صریح، روشن و شفاف است»<sup>۸</sup>. ولی با وجود همه این آشفتگیها جایگاه ولی فقیه رژیم شفاف است. «حضرت امام خمینی به عنوان رهبر بزرگ مذهبی، فتوایی صادر کردند که همه کشورهای اسلامی و سازمان کنفرانس اسلامی آن را مورد تایید قرار دادند... سیاستهای کلی نظام را رهبری تعیین می کنند و بنابراین مقامات کشور و دولت و مردم در چهارچوب همان سیاستها حرکت می کنند.»<sup>۹</sup>

با وجود چنین خط مشی بهم ریخته، خاتمی در تمام دیدارها با مقامات خارجی از جمله در ایتالیا بحث از گفتگوی تمدنها،

فقط اختلاف و لایه های آن بر سر چگونگی حفظ و تثبیت نظام شان است طوریکه خاتمی بارها و بارها گفته که اکنون در دوران تثبیت نظام! بسر می بریم. علیرغم این داده ها طیف استحاله همچنان و با زبانی خاتمانه بدنبال توجیه طیف جدید ولایت فقیه به رهبری خاتمی است. «آمدن آقای خاتمی به خارج کشور به او این امکان را خواهد داد که در ایران با قدرت بیشتری و با پشتوانه بیشتری حرف بزند.»<sup>۱۲</sup>

بر اثر همین آشفتگی و ابهامات فراوان در خط مشی سیاست خارجی، رسانه ها ۹ فروردین اعلام کردند که سفر خاتمی به پاریس بنابر بیانیه دفتر ریاست جمهوری خاتمی در تهران به تعویق افتاد که ظاهرا وجود مشروبات الکلی در ضیافتهای رسمی بهانه بهم خوردن این مسافرت ذکر گردید. پوچی چنین استدلالی ماهیت واقعی رژیم را که گریز از اعتراضات هموطنان علیه چنین دیدارهای خاتمانه عامل اصلی میتواند باشد بیشتر برملا کرد. پس؛

۱- تناقضات بیش از حد باندیهای رژیم و جبهه حامی آن باعث آشفتگی و شل شدن ستونهای پل ارتباطی است ۲- فعالیت جبهه برانداز که تضادهای را به موقع وارد دستگاه اول می کند ستونهای پل ارتباطی را بیشتر در آب فرو می کند.

سستی ستونهای پل ارتباطی در بُعد سیاست خارجی با فروریختگی مشروعیت عمود خیمه نظام در داخل و نفرت همگانی، زمینه بنای پلهای وطن فروشانه را در معرض انفجار قرار می دهد و ملت ایران به بهای رنج و خون بیست ساله و مبارزات مستمرش، آزادی، عدالت و استقلال را سنگ بنای هر پلی قرار خواهد داد.

اشکال استبداد را دارم. !! «<sup>۱۰</sup> برای هموار ساختن و عبور از پل ارتباطی اینطور نیست که مثلا ولایت فقیه و یا رقبای دیگر، مخالف ساختن چنین پلهای ننگین ارتباطی هستند بلکه اختلاف بر سر این موضوع است که هر کدام میخواهد به اسم آن، قضیه تمام شود. سفر مشکوک لاریجانی به لندن در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶ نمونه بارز چنین وکع خیانتکارانه است. از طرف دیگر همه باندها و طیفهای رژیم در حفظ نظام شان کاملا وحدت دارند. «هیچ تغییر کیفی بین مواضع آقای رفسنجانی و آقای خاتمی وجود ندارد. آقای خاتمی با (زبان) خاص خودش حرفش را می زند... در رابطه با مسائل سیاسی نیز من فکر می کنم که اختلاف بین خاتمی و خامنه ای خیلی کمتر از آن چیز است که رسانه ها اعلام می کنند.»<sup>۱۱</sup>

## قبای سفید - عبای سیاه

طیغ امپریالیسم و رژیم حاکم بر میهن در این بن بست راه می پیمایند که خاتمی دوام یابد و با دوامش «نظام» را تثبیت نمایند. یک شعارمحوری خاتمی اینست؛ دوران تثبیت نظام! تبلیغات امپریالیستها در دوران سفر خاتمی به ایتالیا بر این مبنای بود که؛ باید دید و قبول کرد که در ایران تحولی رخ داده است که در نتیجه آن درها، بسوی مذاهب دیگر گشوده شده است. مبنای این خوشبینی، دیدار خاتمی با «ژان پل» رهبر کاتولیکهای جهان بود که در ۲۰ اسفند ۷۷ در واتیکان انجام گرفت. از محورهای مورد بحث میان خاتمی و پاپ مسئله مادیگری در عصر حاضر بود. در پوش چنین بحث کشفی، بدترین قراردادهای اتفاقا مادی برای چپاول نفت و گاز مملکت بسته شد. رسانه ها در ۲۰ اسفند ۷۷ گفتند که واتیکان نیز همچون دولت ایتالیا معتقد است که حمایت مالی ایران از تروریسم بین المللی، تحت رهبری خاتمی کاهش پیدا کرده است!

پیشینه تاریخی دیدارهای سیاسی روحانیون از زمان قدیم تا حدی شفاف است. سران رژیمها و دول مختلف با واسطه گری روحانیان بر اساس منافع خود طرح دوستی می ریختند.

### ماجرای دوستی ناپلئون و

فتحعلی شاه قاجار؛ وقتی فتحعلیشاه قاجار وارد ایروان (پسایتخت فعلی ارمنستان) شد که آن زمان از شهرهای مهم ایران به شمار می رفت. کشیش کلیسای بزرگ شهر که به تازگی برای ملاقات با پاپ به ایتالیا سفر کرده بود خود را به شاه

رساند و اندر فواید طرح دوستی با ناپلئون برای فتحعلیشاه داستانش گفت. فتحعلی پذیرفت و پاپ نامه شاه را بوسیله دو تاجر به ناپلئون رساند و ناپلئون نیز از طرح دوستی با ایران استقبال کرد و همکاریهای

انگلیس، طرح دوستی با روسها ریخت. (و به این ترتیب فصل مهمی از روابط دو کشور در اثر سیاست بازی و خلف وعده ناپلئون به پایان رسید. «۱۴» حالا هم البته سیاست فرانسه قابل

**این بار نیز رژیم نتوانست برای پاپ و جهان مسیحیت روضه آخوندی با آهنگ شاهی بخواند. این دیدار آشفتنگی هرچه بیشتر سیاست خارجی آخوندها را به نمایش گذاشت و آگاهی مردم در راستای انهدام ستون پلهای خیانت را برای رسیدن به آزادی و عدالت دوچندان کرد.**

ایران و فرانسه را در امورات مختلف گوشزد کرد. فتحعلیشاه از خوشحالی، نامه دوم را از طریق سفیر فرانسه در کشور عثمانی به ناپلئون رساند و پس از احترامات متقابل ناپلئون و تعریف و تمجید از رشادتهای ایرانیان، روابط دو کشور استحکام یافت. «چند وقت بعد به دستور فتحعلیشاه هیتی به ریاست میرزا محمد خان قزوینی با هدایای بسیار گرانبهایی که حدود نیم میلیون تومان در آن زمان ارزش داشت به سوی دربار ناپلئون حرکت کرد. «۱۳»

حاصل این مسراودات امضای عهدنامه مفصلی بین فرانسه و ایران شد که فرانسه متعهد گردید برای بیرون کردن قوای روس از شمال ایران تجهیزات نظامی در اختیار رژیم فتحعلیشاه بگذارد. داستان ادامه داشت تا اینکه ناپلئون روی منافع خاص خودش و استفاده از بی برنامهگی و درهم ریختگی سیاست شاه حاکم ایران، در برابر چشمان حیرت زده فتحعلیشاه برای مقابله با

اعتماد نیست ولی شاه خاتمی این بار بجای ۱ میلیون تومن آن روزگار، منابع عظیم نفت و گاز را به حراج گذاشته است. به لحاظ سیاست داخلی و خارجی رژیم اکنون در ضعیفترین و درمانده ترین نقطه حیات سیاسی اش قرار دارد و چپاولگران بین المللی هم ۱ - به خاطر بی برنامهگی و آشفتگی سیاست رژیم ۲ - قرار گرفتن رژیم وارث خمینی در ضعیفترین موقعیت. حکومت جمهوری اسلامی ایران را به سان اجدادش آقا فتحعلی به هر نوع باج دهی و می دارند.

دیدار سمبلیک خاتمی - پاپ هم یاد آور همین داستان است و مستقیم ترین راهی بود که می توانست افکار عمومی غرب را در جهت منافع و مطامعشان جلب نماید. خاتمی در دیدار با پاپ گفت؛ امینوار باشیم به پیروزی اخلاق و صلح که پاپ هم آن را مورد تایید قرار داد. شعارهایی که نمیتوان آنها را رد کرد. ولی معنای هر دو واژه صلح و اخلاق در مردم دوستی عملی و اجرای

- ۲- صاحب نظری در غرب بنام «الکسی».
- ۳- هفته نامه ژون آفریک چاپ فرانسه ۲۷ بهمن ۷۷
- ۴- صحبت‌های کلینتون ۸ خرداد ۷۶ لندن.
- ۵- رادیو اروپای آزاد ۲۰ اسفند ۷۷.
- ۶- روزنامه رسالت ۲۶ بهمن ۷۷.
- ۷- بی بی سی به نقل از روزنامه نشاط از طیف خاتمی ۱۲ اسفند ۷۷.
- ۸- یک کار شناس از داخل در مصاحبه با رادیو فرانسه ۱۷ فروردین ۷۸.
- ۹- رسانه های رژیم ۱۹ اسفند ۷۷ به نقل از کنفرانس مطبوعاتی خاتمی.
- ۱۰- خبرگزاری فرانسه به نقل از خاتمی ۱۹ اسفند ۷۷.
- ۱۱- رادیو فرانسه به نقل از منصور فرهنگ، ایرانی مقیم آمریکا، ۱۳ بهمن ۷۷.
- ۱۲- رادیو فرانسه در مصاحبه با خانباتهرانی ۷ فروردین ۷۸.
- ۱۳ و ۱۴- تاریخ روستا خارجی ایران. خلاصه برداری رابطه شاه و ناپلئون نیز از همین منبع است.
- ۱۵ و ۱۶- بی بی سی به نقل از روزنامه کنفرانس ملی متعلق به اسقفها نیمه دوم اسفند ۷۷.

ژان پل با اتکا به جدایی دین از سیاست گام برمیدارد که حاصل مبارزات خونین دوران حاکمیت کلیساها است ولی خاتمی خود نماینده رژیم خونخوار است که در جهت آخوندیسم سیاسی! پیش می رود. همین روزنامه ادامه می دهد: «کسانی که آقای خاتمی را در خارج و یا ماورای ایدئولوژی خمینیزم می بینند کاملا در اشتباه هستند. وی در جهت پراگماتیک کردن و دموکراتیک کردن یک قدرت اسلام در چهارچوب شیعه سیاسی خمینی گام برمی دارند... وی (خاتمی) راهی را انتخاب کرده است که انتهای آن بر هیچ کس معلوم نیست.»<sup>۱۶</sup>

روزنامه لیبراسیون چاپ فرانسه نیز در نیمه دوم اسفند نوشت: قبل از دیدار خاتمی با پاپ خبرگزاری رسمی واتیکان گزارش داده بود که مسیحیان ایران بطور کامل از حقوق مدنی بهره مند نیستند و برای احراز مشاغل اداری مورد تبعیض قرار می گیرند.

بدین ترتیب این بار نیز رژیم نتوانست برای پاپ و جهان مسیحیت روضه آخوندی با آهنگ شاهی بخواند. این دیدار آشفتگی هرچه بیشتر سیاست خارجی آخوندها را به نمایش گذاشت و آگاهی مردم در راستای انهدام ستون پلهای خیانت را برای رسیدن به آزادی و عدالت دوچندان کرد.

\*\*\*\*\*

### پاورقی ها:

۱- سیاست میان ملت‌ها، هانس جی. مورگنتا.

عدالت اجتماعی برای همه توده هاست. طرف ایرانی این شعارها را فقط خندان ولی در لباس شاه و باعبای سیاه بیان می کند که آثار خیانتش بر مراتب بالاتر و جدی تر است.

سالیان سال است که در دانشگاهها و مراکز تحقیقی بحث پیرامون گفتگوی تمدنها و مذاهب ادامه دارد. در همین راستاست که خاتمی بعد از ۱۱ سال وزارت ارشاد؛ اش که مسئول کتابخانه ملی شد همه این مسائل را در زمانی هم که سنگسارها، اعدامها و شکنجه ها ادامه داشت مورد مطالعه قرار می داد بدین ترتیب نفس چنین بحثها و رد و بدل کردن این کلمات هیچ ارتباطی به حل مشکلات مردم نداشته و فقط برای خوش آیند طرفهای تجاری و جبهه ترحم استحاله است و متاسفانه کلماتی مثل گفتگوی تمدنها و توسعه سیاسی در شرایط حاضر نام تجاری و خیانت به خود گرفته اند. هدف غایی خاتمی در دیدار با پاپ نه از موضوع دور روحانی برای تبادل نظر دینی و حتی گفتگوی تمدنها، بلکه از موضوع سیاسی و با انگیزه آویختن به دامن غرب بود. او میخواست تروریسم دولتی رژیم، سرکوبها و کشتارها را تا حدی با بازی با کلمات سرپوش بگذارد ولی علیرغم جبار و جنجال رژیم ایران و حاکمان ایتالیا و بهره گیریشان از دیدار واتیکان، اختلاف عقیدتی پاپ و خاتمی در افکار عمومی و رسانه ای برخلاف جریان آب تجارت پیشگی پیش رفت. روزنامه متعلق به کنفرانس ملی اسقفهای ایتالیا در بخشی از سرمقاله خود در ایام دیدار خاتمی از ایتالیا نوشت: «برخلاف آنچه بر خیزها گفتند و نوشتند مسیحیت و اسلام و پاپ اعظم کاتولیکها و حجت الاسلام خاتمی در جهت‌های مخالف گام برمیدارند.»<sup>۱۵</sup>

## انفجار اتوبوس حامل مجاهدین در عراق و حملات موشکی به مراکز آنها توسط رژیم را محکوم می کنیم.

در مقابل اعمال سرکوبگرانه و وحشیانه گذشته و حال او راهی به جز حذف تمامیت دستگاه سرکوب حاکمیت را دنبال نمی کنند. از این رو تمام تلاش او متوجه ضربه زدن به جبهه ای است که خواستار سرنگونی کُل نظامش می باشد.

نکته مهم قابل توجه دیگر موضع استعمارگران و کودتاچیان امپریالیسم، در برخورد با این جنایات است. سکوت ایشان که غیر قابل پیش بینی هم نبوده، حکایت از این حقیقت دارد که ایشان با سرکوب مردم و منحرف نمودن خواسته های اصلی آنها، با رژیم حاکم بر ایران هم نظرند و مواضع ضد و نقیضشان در محکوم کردن اعداء لاجوردی، صیاد شیوازی و حملات به مراکز نظامی رژیم توسط مجاهدین، از یکطرف و سکوت آنها در قبال این اعمال رژیم از طرف دیگر، بر اساس برنامه ای معین و به منظور حمایت از اهداف ضد مردمی رژیم صورت می پذیرد.

در شرایط امروز جامعه ایران که حکومت مجبور شده در مقابل فشارهای مردم، خاتمی را با ادعای تغییر! روش های خود به صحنه آورد، وظیفه ملی و مردمی است که تکرار حتی ذره ای از این جنایات را قاطعانه محکوم کنیم. زیرا افشاء نمودن اعمال جنایت کارانه ای مانند ربودن مخالفان و شکنجه و قتل فجیع آنها، ترور مخالفان در خارج از کشور از طریق بمب گذاری و روش های زیورانه دیگر، گذشته از ارتباط مستقیم آن با هر جریانی از مخالفان، اثبات بی محتوا بودن شعارهای استحالته گرانه حاکمیت و در جهت بی اعتبار نمودن نقشه های فریب کارانه آنها خواهد بوده، و بی توجهی به این امر به هر بهانه ای، حاکی از مخدوش بودن حد و مرزها در مقابل دوستان و دشمنان مردم می باشد.

بهارایران

ارتکاب این اعمال از طرف رژیم حاکم بر ایران، حاوی نکات قابل توجهی است که ما ضمن محکوم کردن آن توجه هموطنانمان را به این نکات جلب می کنیم.

دست زدن به بمب گذاری ای در خاک کشور عراق، با همه رسوایی و مشکلات قابل پیش بینی که برای رژیم به دنبال خود دارد، چه در روابطش با دولت عراق و چه در ارتباطات بین المللی او، گویای این حقیقت است که حکام ایران از موج عظیم مخالفان، بیش از پیش به وحشت افتاده، براه حلی جز توسل به روش های همیشگی خود برای پاسخ به اعتراضات مخالفان نمی جویند. ایشان که در درون جامعه به عمق هوشیاری مردم پی برده اند، بهتر از هرکس دیگر می فهمند که مردم را نمی توانند بفریبند و با تظاهر به استحاله و جامعه مدنی و غیره، آنها را معطل کنند.

اکنون در ایران بیشتر از هر زمان دیگر دستگیری و فشار بر مخالفان افزایش یافته، و اخبار و شواهد نشانگر آن است که با توافق و هم آهنگی کامل یا خاتمی صورت می پذیرد. در پشت درگیری های ظاهری جناح های شریک در حکومت که روزنامه هایی تاسیس و تعطیل می کنند و عناصری شناخته شده را به اشکال توجشم بخور به زندان برده و بیرون می آورند و به آنها اجازه مصاحبه با رادیو های فارسی زبان همسو در خارج می دهند، تا به کمک این اعمال به خیال خود، برای خارجیان نقش دموکراتیک بازی کنند، روز به روز به آزار و سرکوب وسعت بیشتری می دهند. هر روز گروه های وسیع تری از مردم که بجا از اوضاع بهره برداری کرده و در تظاهرات شرکت می کنند و شعارهای نابودی کلیت رژیم را به پیش می برند، دستگیر شده و به محل های نامعلوم برده می شوند و از سرنوشتشان خبری به دست نمی آید.

اینها همه مبین آنست که رژیم بیش از هرکس دیگر از عمق نارضایتی ها مطلع است و مهمترین مشکل او مردم خشمگینی هستند که



### فرم اشتراک بهار ایران

Naam: .....

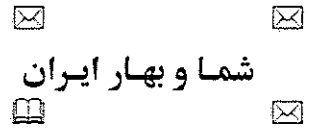
Adres: .....

.....  
.....

این جانب .....

مایل به اشتراک بهار ایران از شماره ..... هستم.

تعداد از هر شماره .....



## شما و بهار ایران

✉ مشترکین و همکاران گرامی؛

تا کنون نشریه برخی از مشترکین و موسساتی که نشریه را دریافت می کرده اند بازگشت خورده است. همینطور مطلع شده ایم که بعضی از شماره های نشریه به دست دوستان نرسیده و به صندوق نشریه هم بازگشت داده نشده است. از دوستانی که نشریه بدستشان نرسیده یا تغییر آدرس داده اند تقاضا داریم موضوع را بما اطلاع دهند.

✉ خانه کتاب (کلن)؛

لیستی از کتابهای منتشر شده شان را ارسال کرده اند که از بابت آن متشکریم.

## با تشکر، نشریات زیر را دریافت

نمودیم:

● آوریل، ارگان جنبش مردمی  
ارامنه، سال چهاردهم: شماره ۳۴: آذر  
۱۳۷۷.

● اتحاد کار، ارگان سازمان اتحاد  
فدائیان خلق ایران، شماره های ۵۹،  
۶۰، اسفند ۱۳۵۷، فروردین و  
اردیبهشت ۱۳۵۸.

● توفان، ارگان سیاسی مشترک  
جهت تدارک کنگره موسس حزب واحد  
طبقه کارگر ایران، سال پنجم؛ شماره  
های ۵۳، ۵۴ و ۵۵: فروردین،  
اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۸.

● نبرد خلق، ارگان سازمان چریکیهای  
فدایی خلق ایران شماره های ۱۶۶،  
۱۶۷. فروردین، اردیبهشت و خرداد  
۱۳۷۸.  
نشریات هلندی:

● DWARS; Groenlinkse  
jongeren, nr. 11 april 1999.  
● DWARS in aktie; Groenlinkse  
jongeren, nr. 24, 25; april en mei  
1999.  
● FNV KLEURRIJK; Etnische  
mindergeden en de arbeidsmarkt;  
Vierde jaargang nr. 10; maart  
1999.



– از خوانندگان عزیز بخاطر اشتباهات چاپی بوزش می طلبیم.  
– در این شماره به علت کمبود جا موفق به درج "گزیده هایی از تقویم تاریخ" نشدیم، در  
شماره های آینده به روال گذشته آن را ادامه خواهیم داد.  
آدرس پست الکترونیکی بهار ایران:  
BahareIran@mailexcite.com



آدرس:

بهای اشتراک سالانه (با احتساب هزینه پست)

G.I.V.N.  
P.B. 32406  
2503 AC Den Haag  
Nederland

اروپا معادل ۲۰ فلورین  
آمریکا و کانادا معادل ۱۵ دلار آمریکا  
خواهشمندیم بهای اشتراک را مستقیماً به آدرس بهار ایران ارسال نمایید.

بقیه "چند تکنه و چند گزارش از ایران" از صفحه ۲۳  
سی متر جلوتر می ایستد. پیاده می شوم در حین گرفتن گواهینامه  
۱۵۰۰ تومان بهش می دهم. با خوشرویی خانحافظی می کند و می رود.

در شهرک شرب هستیم. گشت نیروی انتظامی  
جلویم را می گیرد.

سلام. سلام بفرمایید. کارت ماشین. بفرمایید. صندوق عقب.  
بفرمایید. داشبورت. بفرمایید. این چیه؟ کلام؟ یک لول تریاک  
نشانم می دهد. نمیدانم!! خودتو به این راه تزن این تریاکه. نمیدانم از  
کجا اومده مال من نیست. من از داشبورت تو درآوردم. تازه دوزاری ام  
می افتد، تریاک وسیله باج گیری این حضرات است معلوم نیست با این  
یک لول تریاک روزانه چقدر کاسبی می کنند. چقدر بدم جناب سروان؟ -  
هر چقدر گرمته.

- چقدر جناب سروان؟ - ۴۰ تومان بسه. یک چک ۴۰ هزار  
تومانی می نویسم و می دهم. بفرمائید.  
بفرمائید.

### گشت امر به معروف!؟

میدان ونک هستم گشت امر به معروف و نهی از منکر با مینی  
بوس دور میدان ایستاده است. غضب آلود، پاها باز به اندازه عرض شانه،  
با ریشهایی که آدم را به یاد جوجه تیغی اصلاح کرده می اندازد. آن زرتیر  
زنهایی با چادر مشکی که موقع راه رفتن آدم را به یاد گاوها و ماتادورها  
می اندازد. سرپایین، چشم بالا و شاخ ها آماده حمله. یکی از جوجه تیغی  
ها بطرفم می آید

- برو سوار مینی بوس شو. - چرا؟ - برو. - می روم و توی مینی  
بوس می نشینم هنوز مانده ام که «من را چرا دیگر؟» - مینی بوس پر  
می شود. می برند خیابان وزرا. ستادشان آن جاست. پیش حاج آقا می  
رویم که حکم بدهد - تو را برای چی آورده اند. - نمی دانم. - مانتو ات  
خوب است، روسری ات خوب است، آرایش نداری، این تعهدنامه را  
امضا کن و برو. - امضا می کنم و بیرون می روم. «دم در خروجی»  
- خانم می تونیم باهم باشیم؟

- نگاه می کنم، جوجه تیغی گشت امر به معروف و نهی از منکر  
است. تازه متوجه می شوم «من را چرا دیگر؟» - پاترول هست. - خونه  
خالی هم هست. - مثل زگیل کنده نمیشوند، بدجوری پایپچم شده اند، به  
مغازه ای پناه می برم. ماجرا را به مغازه دار می گویم اجازه می دهد به  
پدرم تلفن بزنم. منتظر می مانم، از ترس، بیرون نمی روم، پدرم می آید و  
با او بیرون می روم. حالا فهمیده ام؛ «ما را دیگر چرا؟»

== مسافر کش های خطی (منظور مسافر کش هایی هستند که با  
اتومبیل شخصی، نمونه پیکان، در مسیرهای مشخص بین نقطه الف تا  
نقطه ب مسافرکشی می کنند) اتومبیلهایشان را در محل هایی برای  
مسافرگیری پارک می کنند که معمولا نقاط پیرفت و آمد و در عین حال  
توقف ممنوع اند و اینها برای ماندن مجبورند روزانه پولی را از همکاران  
خود جمع کرده به مامورین راهنمایی و رانندگی به عنوان رشوه بدهند تا  
اجازه ماندن بگیرند. \* \* \*

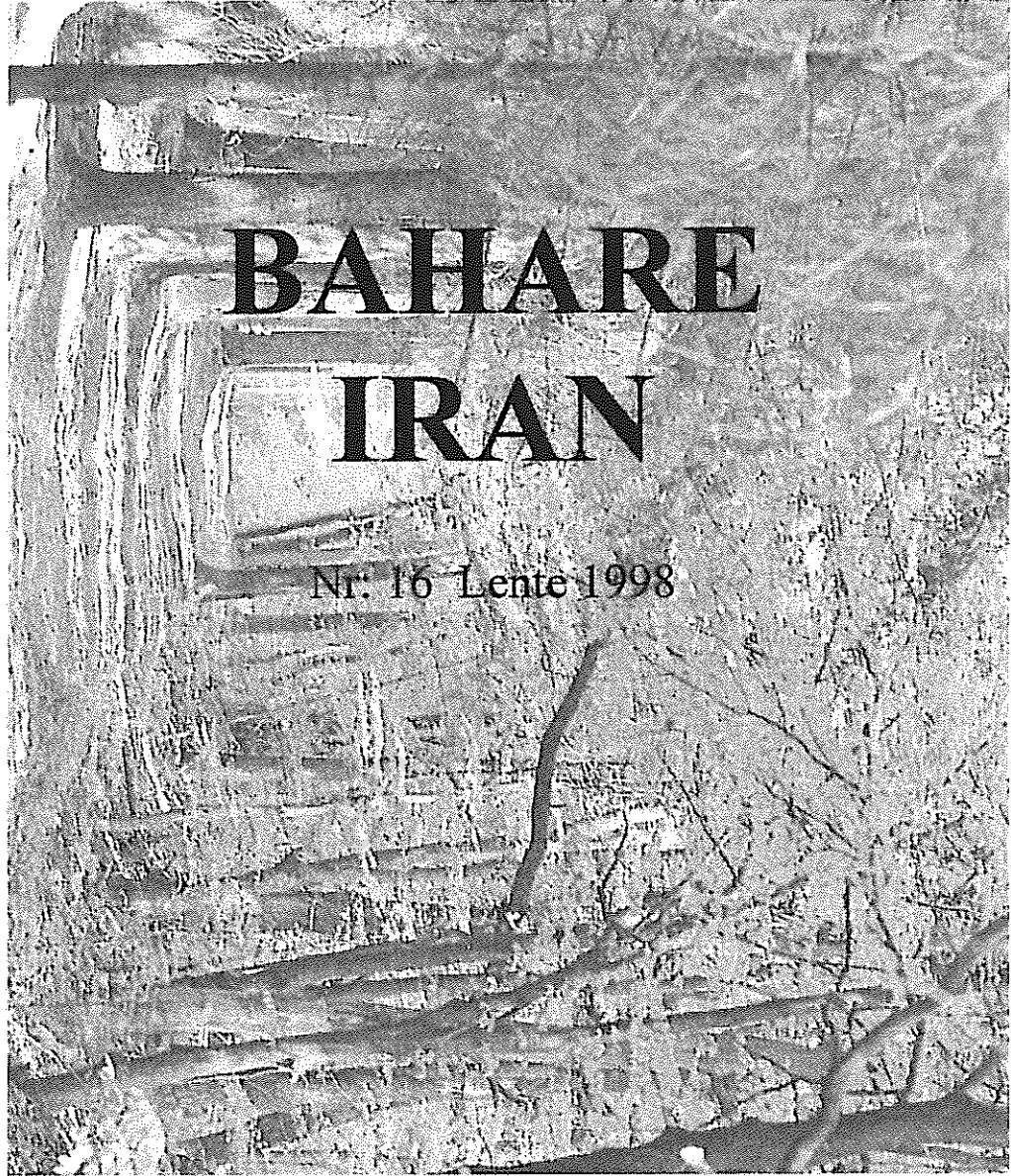
خودم را یاقتم روز بعدش هم تو خانه، هنگام سحر رفتن بالای پشت  
بام و شعر مرغ سحر را بیاد همه تعبیدیها و زندانی ها و شهدای راه  
آزادی سر دادم و آرام به خواب رفتم!!

بعد از آن دیگر تصمیم گرفتم در خانه بمانم. مادرم قفل پشت بام  
را باز کرده است. من هر وقت که بخواهم می توانم بالا بروم و  
پولکهای طلای عزیزم را نگاه کنم. حالا دیگر با خدا هم حرف می  
زنم. باهمه اینها، من و پشت بام و ستاره ها جای خالی آقای نعمتی  
را خیلی احساس می کنیم. اما من میدانم، مطمئن هستم که آقای  
نعمتی یک روز بر می گردد و آن روز من هم به او کمک می کنم تا  
آشغالهای کوچه را جمع کنیم. من دیگر بیاد گرفته ام که سحرها  
خواب نمانم. سه روز است که سحر از خواب بیدار می شوم و بی آنکه  
کسی بفهمد به کوچه می روم و هر چه بتوانم آشغالهای کوچه را جمع  
می کنم. باید کوچه را برای برگشتن آقای نعمتی آماده کنم تا وقتی  
می آید کار زیادی نداشته باشد.

امشب هم می روم بالای بام. به ستاره ها نگاه می کنم و از خدا می خواهم  
که هر چه زودتر آقای نعمتی را برگرداند. من می دانم که آقای  
نعمتی بومی گودن. میدانم... \* \* \*

بقیه "پولکهای طلایی" از صفحه ۱۸

اما آنها همه رفتند به خانه اشان، من تنها ماندم. رفتم سراغ  
نانهایم، تکه ای از آن گندم و همان طور که نان را می خوردم به  
رفتم ادامه دادم. هر وقت خسته می شدم می نشستم و کمی آب می  
خوردم و دوباره می رفتم. نزدیکای غروب سرمای هوا بیشتر شد. من  
دیگر خیلی از ایستگاه و خانه ها دور شده بودم. کم کم داشتم می  
ترسیدم. این خیلی بد است که دختر ده ساله در کنار ریل راه آهن  
تنها بماند. راستش بیشتر از همه چیز از گرگها می ترسیدم.  
مخصوصا که هوا ابر بود و هیچ ستاره ای در آسمان نبود. شب که  
شد ترس من بیشتر شده بود. دلم برای مادرم تنگ شده بود. همین  
طور برای پدرم و مهتاز برای خانه امان، حتی برای کوچه سان. آنها  
حتما داشتند دنبال می گشتند. اما هیچ کس خبر نداشت من کجا  
هستم. هوا دیگر خیلی سرد شده بود. دانه های ریز برف تند و سریع  
از آسمان به پایین می آمدند و روی صورت و پالتو و دستهایم می  
نشستند. پنجه های پایم از سرما بیخس شده بود. نوک دماغم  
تیرمی کشید. دیگر طاقت سرما را نداشتم. همان جا کنار ریل  
نشستم و دیگر چیزی به یاد نمی آید، تا چند روز بعد تو بیمارستان



*Genootschap van Iraanse Vluchtelingen- Nederland  
G.I.V.N.  
P.B. 32406  
2503 AC Den Haag  
Nederland*

آدرس: